

ضربات «چماقداران» بر انقلاب

ایران ادامه دارد

حوادث بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۲ خردادماه، حداث مسئله‌ای را که ما در صبح پنجشنبه، با صراحت و قاطعیت مطرح کرده بودیم، ثابت کرد. هشدار ما بجا بود و روز بروز هم برای سرنوشت انقلاب حیاتی‌تر میشود.

آنچه در امجدیه و اطراف آن روی داد و دامنه‌اش به خیابانها و محلات هم کشیده، نشان میدهد که چماقداران از امکانات و سازماندهی وسیعی برخوردارند. «چماقداران» اینک آشکارا به قانون اساسی، به قوه مقننه و مجلس شورای ملی، به ریاست جمهوری و قوه اجرائیه، به شهرپایی و مقامات انتظامی ستی و به کمیته‌ها و سپاه پاسداران و نهادهای انتظامی که از انقلاب نشأت گرفته‌اند، اعلان جنگ داده‌اند. خطر واقعی آنست که نه این نهادها و ارگانهای انقلابی و دولتی، بلکه گروهی به قدرت چماق، متکی به نفوذهای اعلام‌نشده، و با ارتباطات مشکوک، حاکم و تعیین‌کننده جو سیاسی و روند تکاملی جامعه شوند. چنین وضعی خود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در معرض خطر قرار میدهد. چماق‌داری‌خیزانه خونین می‌آفریند و آشکارا پیداست که به‌تدریج میکوشد تا گروهها را بجان هم اندازد و تفرقه‌انگیزی کند و در این میان اگر نام الله و اسلام هم لکه‌دار شود، چه‌بلك حتی در چو بوجود آمده، آنها تقابلی بهتر و محافظی موثرتر از همین توسل دروغین به «حزب‌الله» و سوء استفاده از حیثیت و اعتبار امام پیدا نکرده‌اند. برای آنها مهم آنست که ضربات آنها بر انقلاب و نیروهای انقلابی و بر وحدت نیروهای انقلابی، بر تکامل انقلاب و استحکام آن هرچه کاری‌تر باشد و از درون آنرا بفرساید و نابود کند.

صدانقلابی بودن «نهاد چماق‌داری» اینک دیگر کسی پوشیده نیست. رشد سیاسی و بلوغ مدنی مردم انقلابی بجای رسیده است که با تجربه گردآمده، امروز دیگر هیچکس نمی‌تواند آشکارا از آن دفاع کند و آنرا وابسته بخود بداند. پس این چه نیروی است که از همه احزاب و سازمانها و گروهها برتر است، همه جرایم بی‌استثنا از آن تبری می‌جویند همه مقامات مسئول در حرف لمن و تفریق نثار آن میکنند، ولی همچنان باقی است، عمل میکند، قربانی میکند، خون میریزد، تحریک می‌کند، حادثه می‌آفریند و زمینه را برای اقدامات متنوع ضدانقلاب و اقدام ناپائی او آماده می‌کند؛ چرا انقلاب و آنها که سکنانهای امور را بدست دارند، ریشه این مفسد بر باددهنده انقلاب را نمی‌کنند؟ آیا بی‌گیری و رویارویی در این زمینه نمی‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل باشد؟ آیا برای ستولان امور اختلاف در امور اقتصادی و بی‌ثباتی در محیط سیاسی - که نمرات مستقیم چماق‌داری است عمل‌السویه است؟

روز پنجشنبه باز متأسفانه به‌قیمت زندگی یک جوان ۱۶ ساله و زخمی شدن دهها و بلکه سدها نفر، حدت و فعالیت هندازهای ما و سایر نیروهای انقلابی و مسئولان دیندار خطر چماق‌داری ظاهر شد. جامعه ما بار دیگر نتایج انقلاب خود را در خطر يك شیوه کار ضدانقلابی دید و متوجه شد که این خطر بی‌بسیار کوچک نیست و اگر مهار نشود و سرعت و با قدرت مهار نشود، میتواند انقلاب را جدا تهدید کند.

هر نیروی که حساب خود را از حساب چماق‌داران جدا می‌داند، می‌بایست جدا در عمل خواستار جلوگیری، تقویت و سرکوب این عوامل انقلاب‌بربادده باشد. جدا خواستار شود که مسئولیت واقعی حفظ نظم و امنیت، به‌مقامات و ماوراء انتظامی، اعم از ستی و انقلابی، داده شود و از آنها مسئولیت حفظ نظم و امنیت خواسته شود. جدا خواستار پاک‌کردن عناصر ناپایب و مشکوک در درون سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی، که صاحب مسئولیت انتظامی هستند، باشد.

ولی آنچه دارای اهمیت درجه اول است، توجه دقیق همه مسئولان به این واقعیت است که ضربه‌اصلی چماق‌داران بر انقلاب ما وارد میشود و اختلالات اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی، ناشی از آن مستقیماً نظام جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند و به سلب اعتماد مردم از استحکام و قدرت و آینده آن می‌انجامد. جلوی این روند را بیدرنگ با قاطعیت باید گرفت و هرکس در جهت شناسایی، تقویت، سرکوب و ریشه‌کنی چماق‌داری عمل نکند، در اسالت انقلابی او میتوان شک کرد.

حجت الاسلام خوئینی‌ها: دشمن یکی است و آن آمریکاست

بر اساس شناخت دشمن اصلی، یعنی آمریکا،
بباید نیروهای اصیل را دورهم جمع کنیم

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها روز ۱۶ خرداد در نماز وحدت مردم مشهد سخنانی ایراد کرد. نظر به اهمیت این سخنرانی ما قسمت‌هایی از آن را در این شماره نامه «مردم» چاپ می‌کنیم:

حجت‌الاسلام خوئینی‌ها اظهارداشت: دشمن سخت در کمین است. دشمنی آمریکایک مسئله ذهنی و خیالی از دریاها نیست. آمریکامحیتانکه در تمام زمینه‌های جامعه‌ما، اقتصادی، سیاسی، نظامی، روحانی پادانگامی چرا اختلاف دارد؟ چرا جنگ، آید دشمن، دشمن مشترک نیست؛ آید دشمن مشترک شناخته شده نیست؛ آید مگر رهبر بزرگما بارها بما گوشزد نکرده است که دشمن اصلی‌ما آمریکاست؛ آید شك داریم که شیطان بزرگ آمریکاست؛ امروز بزرگام بقیه در صفحه ۲

موانع ساختگی را از سر راه گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی برداریم

ولی این اختلاف نباید به‌سبب اختلاف سیاسی ارتقاء یابد. نباید مانع از اتحاد عمل و تعاون سیاسی علیه دشمن مشترک - امپریالیسم - به سرکوهی امپریالیسم آمریکا گردد. علاوه بر این، اختلاف ایدئولوژی اسلامی (اسلام راستین انقلابی و نه اسلام آمریکائی) یا ایدئولوژی سوسیالیسم علمی، بطور مدهه يك اختلاف فلسفی است. اگر درست است که اسلام راستین انقلابی مخالف با استعمار و در نتیجه مخالف با نظام اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری است، سوسیالیسم علمی نیز خواستار لغو ریشه‌های استعمار فرد از فرد براندازی نظام سرمایه‌داری است. بنابراین هم اسلام راستین انقلابی و هم سوسیالیسم علمی، از نظر تحولی که جامعه بشری در زمینه اقتصادی - اجتماعی میباید، دارای وجه مشترک فراوانند. به‌این دلیل ما گفته‌ایم و تکرار میکنیم که در داخل کشور، اتحاد مسلمانان راستین انقلابی و اتحاد مسلمانان انقلابی پیرو خط ضد امپریالیستی و خلقی امام، اتحاد مسلمانان طرفدار مستضعفین بر ضد مستکبرین، اتحاد مسلمانان ضد استعمار، ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیسم با بیرون راه سوسیالیسم علمی نه فقط ممکن، بلکه ضرورت حیاتی و تاریخی و مطمئن‌ترین وسیله برای تأمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران است.

در مرصه بین‌المللی نیز چون انقلابی که در ایران زیر پرچم اسلام انجام گرفته، از لحاظ محتوای خود انقلابی است ضد امپریالیستی و انقلابی است خلقی، و چون کشورهای سوسیالیستی در نبرد تاریخی با امپریالیسم، پشتیبان راستین جنبشها و انقلابهای آزادی-بخش ضد امپریالیستی هستند، پس جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در وجود کشورهای سوسیالیستی متحدین پابرجا و برشاینه و فرض در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران، در مبارزه برای تأمین استقلال واقعی و همه‌جانبه ایران عزیز بیاید.

مسئله دوم اینستکه: آیا ممکن است که کشورهای سوسیالیستی وقادار به جهان‌بینی سوسیالیسم علمی، با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، با جمهوری اسلامی ایران، «از در دشمنی وارد شوند»؟ پاسخ این سؤال هم، بهمان دلالتی که ذکر شده، منفی است. ما در عمل مشاهده کرده‌ایم، که هم در بحبوحه نفع و اعتلای جنبش انقلابی ایران و هم در تمام این مدت ۱۶ ماهی که از پیروزی انقلاب ایران گذشته است، کشورهای سوسیالیستی وقادار به سوسیالیسم علمی و پیشاپیش آنها اتحاد جهانی شوروی، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در برابر امپریالیسم، و بویژه امپریالیسم علمی با یکدیگر اختلاف دارند،



نامۀ مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۵۸
یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ - ۱۳۵۹ شماره ۱۵۵ ریال

در صفحات بعد

پیروزی سیاست
همزیستی مسالمت آمیز
به سود خلق هاست

۷ سال از شهادت رفیق
پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی
حزب توده ایران گذشت

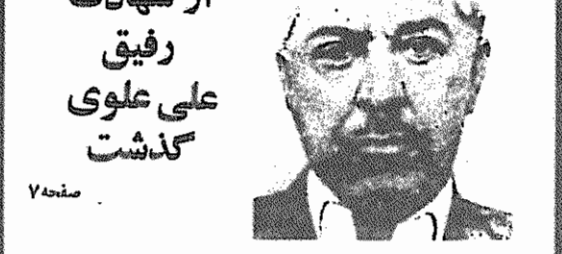


روزی که
«پرویز»
اسطوره
شد...

درد ورنج فراوان
و دوری از خانواده
اینست زندگی کارگران ساختمانی

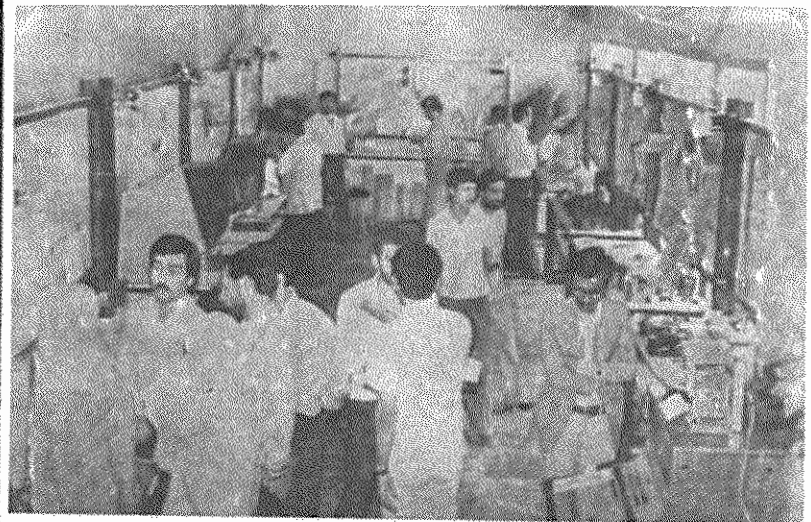
«بند امیر»ی‌ها در بند...
مسائل دهقانی - صفحه ۵

در گرد هم آیی اتحادیه وسندیکاهای کارگران
خباز گفته شد:
دولت باید سازمان نان بوجود آورد



۲۱ سال
از شهادت
رفیق
علی علوی
گذشت

دومین نمایشگاه رهائی از سلطه امپریالیسم در شرکت مخابرات



دومین نمایشگاه رهائی از وابستگی به امپریالیسم در شرکت مخابرات ایران از صنایع مخابرات و الکترونیک است، به منظور آگاهی صنعتگران داخلی از چگونگی ساخت این قطعات با روشهای جدید و استفاده از تجهیزات داخلی. این نمایشگاه در شرکت مخابرات تهران برگزار شد. در این نمایشگاه، محصولات و تجهیزات ساخت داخلی و همچنین قطعاتی که در گذشته از خارج وارد میشدند، به نمایش گذاشته شد. در این نمایشگاه، مهندسین و کارکنان شرکت مخابرات با روشهای جدید تولید و مونتاژ قطعات آشنا شدند. در این نمایشگاه، مهندسین و کارکنان شرکت مخابرات با روشهای جدید تولید و مونتاژ قطعات آشنا شدند. در این نمایشگاه، مهندسین و کارکنان شرکت مخابرات با روشهای جدید تولید و مونتاژ قطعات آشنا شدند.

علیرغم دروغ پراکنیهای خبرگزاریهای امپریالیستی، کابل آرام است

خبرگزاریهای پراکنیهای خبرگزاریهای امپریالیستی را درباره اوضاع کابل و اطراف آن ابطال محض دانست. باختر اعلام کرد که رسانه‌های غربی از قول ضد انقلابیون افغانی در پشاور با کسب دروغ‌های بزرگی درباره درگیری‌های خیالی در افغانستان منتشر میکنند و در حالی که در سراسر کشور اجتماعات بسیار بزرگی به حمایت از اقدامات دولت انقلاب برپا میشود، رسانه‌های غربی دائماً از اعصاب در افغانستان گزارش منتشر می‌کنند.

اطلاعات خبرگزاری‌های امپریالیستی و بلندگوهایی غربی درباره افغانستان، که عموماً از قول «مسافران» و «مناوین» منتشر میشود، حتی بوسیله بعضی از خبرنگاران غربی نیز تکذیب شده است. انجمله خبرنگار رادیو وین اعلام کرد که در اطراف کابل اوضاع آرام و عساکری است و از زورخوردگانی که خبرگزاری‌های غربی درباره آن سر و صدا راه انداخته‌اند، اثری دیده نمی‌شود.

کارتر از امکان «تفاهم» بین آمریکا و کشورهای اسلامی دم میزند!

جیمی کارتر بتازگی از عاشقان سینه‌چاک اسلام - البته اسلام آمریکایی، از نوع اسلام ضیاءالحقها و ملک‌خالدسها - شده در پیامی به‌مناسبت هزار و چهارصدمین سال هجرت اظهار امیدواری کرده است که میان کشورهای اسلامی و آمریکا «تفاهم» وجود آید!

کارتر گفته است که در یکسال گذشته وقت زیادی را صرف آشنایی با امور اسلامی کرده و بر این عقیده است که هیچ‌گونه اختلاف‌حلی نشدنی میان کشورهای اسلامی و آمریکا وجود ندارد! در مورد «تفاهم» باید گفت که کارتر و دیگر مزدوران انحصارات آنها می‌توانند با سرپرستان از قماش ضیاءالحقها، ساداتها و ملک‌خالدسها به توافق برسند و نه با خلق‌های مسلمان که با همه وجود خود سلطه‌چینی امپریالیسم آمریکا را احساس کرده‌اند و برای پایان دادن به این سلطه و قطع غارت و چپاول ثروت‌های خود بوسیله امپریالیسم آمریکا مبارزه را شدت می‌دهند. کارتر بهتر از هر کسی دیگر میدانند که نه تنها با خلق‌های مبارز مسلمان اسلام انقلابی از نوع اسلام‌آگاه خمینی، که قطع سلطه‌چینی امپریالیسم و رفا توده‌های زحمتکش را مدنظر دارد، تفاهمی ندارد، بلکه برای از میان بردن آن روز و شب توطئه میکند.

سخنان کارتر در مورد «تفاهم» حیاتی آمریکا در خلیج فارس، «تفاهم» مورد نظر وی را لو میدهد. کارتر بشیرانه بار دیگر اعلام کرده است که برای باصلاح دفاع از منافع آمریکا در خلیج فارس در مقابل «خطر خارجی» از قوه قهریه استفاده خواهد کرد. همه میدانند که تنها «خطر»ی که خلیج فارس را تهدید میکند - البته خطر از نظر آمریکا - همانا مبارزه خلق‌های این منطقه برای رهائی از یوغ سلطه امپریالیسم جهانی است و تمام‌توجه کشیدن‌های امثال کارتر راه پچانی نمی‌برد. برخلاف تصور کارتر، اختلاف خلق‌های کشورهای اسلامی و امپریالیسم جهانی «حل» خواهد شد، که امپریالیسم به زباله‌دانی تاریخ انداخته شود.

کنگره مسلمانان اتحاد شوروی مداخله آمریکا، چین و پاکستان در افغانستان را محکوم کرد

هشتاد و یک نفره کنگره مسلمانان جمهوری‌های ارمنستان، گرجستان و آذربایجان شوروی در شهر باکو برگزار شد. در این کنگره هیئت‌های نمایندگی اسلامی دیگر جمهوری‌های شوروی نیز شرکت داشتند. این کنگره در پیانه‌ای از جمله از افزایش تشنج جهانی بوسیله امپریالیسم آمریکا ابراز نگرانی کرد. در پیانه آمده است که امپریالیسم سی دارد خود را مدافع اسلام معرفی کند، اما در همان حال علیه مردم ایران، افغانستان و دیگر ملت‌های اسلامی و فلسطینی‌ها توطئه میکند. در پیانه مداخله آمریکا، چین و پاکستان در افغانستان محکوم شده است.



در کره جنوبی ترویسیم برقرار است

در حالیکه سرپرستان آمریکا در کره جنوبی فشار بر خلق مبارز این کشور را افزایش میدهند، جمهوری دموکراتیک خلق کره از کشورهای غیرمتحد خواست تاحایت خود را از مبارزه مردم کره جنوبی، که برای آزادی کشور به مبارزه دست زده‌اند، اعلام کنند. جمهوری دموکراتیک خلق کره اعلام کرد که سرکوب مردم کره جنوبی ابعاد تازه‌ای گرفته و اوضاع در این کشور بسیار وخیم است. جمهوری دموکراتیک خلق کره اضافه کرده است که اکنون بر کره جنوبی ترویسیم رسمی برقرار است و امپریالیسم هار آمریکا بشیرانه در این ترویسیم مشارکت دارد.

راهزنان آمریکایی برای شرکت در تجاوز نظامی به ایران پاداشی میگیرند

امپریالیسم آمریکا با تجلیل از نظامیانی که به ایران حمله کردند، نشان میدهد که قصد دارد حلات مشابهی را تدارک ببیند. مجلس نمایندگان آمریکا با توافق آراء تصویب کرد که به این راهزنان جایزه نقدی و مدال داده شود. نمایندگان اعلام کردند که باید از موجودی حساب‌های ایران در آمریکا که بطور غیرقانونی بوسیله کارتر مسدود شده است، برای پرداخت جایزه نقدی به این راهزنان استفاده شود.

یک سوم کل پزشکان جهان در اتحاد شوروی هستند

بموجب آمارهای رسمی در اتحاد شوروی، اکنون برای هر ده نفر از اهالی این کشور ۳۶ پزشک وجود دارد. بدین ترتیب اکنون یک سوم کل پزشکان جهان در اتحاد شوروی خدمت میکنند، در حالیکه جمعیت این کشور یک شانزدهم جمعیت جهان است. این آمار میتواند سطح عالی بهداشت و مراقبت‌های بهداشتی در کشورهای سوسیالیستی را نشان دهد.

چرا آمریکا از ارسال مواد سمی برای ترویستهای افغانی سخن نمیگوید؟!

خبرگزاری پراکنیهای خبرگزاریهای امپریالیستی را درباره اوضاع کابل و اطراف آن ابطال محض دانست. باختر اعلام کرد که رسانه‌های غربی از قول ضد انقلابیون افغانی در پشاور با کسب دروغ‌های بزرگی درباره درگیری‌های خیالی در افغانستان منتشر میکنند و در حالی که در سراسر کشور اجتماعات بسیار بزرگی به حمایت از اقدامات دولت انقلاب برپا میشود، رسانه‌های غربی دائماً از اعصاب در افغانستان گزارش منتشر می‌کنند.

دشمن یکی است و آنها هم آمریکاست...

شماست، دشمن یکی است و آن آمریکاست. این دشمن شناخته شده است. باید هر چه بیشتر به توده‌ها بشناسیم. مسئولیت من دانشجو، توریستانی این است که نشان دهم آمریکا چگونه با ما دشمنی می‌کند. هوای ما این جنایتکار آمدنخواه به کشور ما تجاوز می‌کند. باید با پوست و گوشت وجودمان او را بشناسیم. اگر خوب بشناسیم، همه اختلافاتمان از بین خواهد رفت. نه دانشجو باید بگوید هر چه دانشجو است انقلابی است و توریستانی بگوید هر چه عامه‌پس است انقلابی است. بر اساس شناخت دشمن اصلی، یعنی آمریکا، بیایید نیروهای اصلی را در درجه دوم جمع کنیم و در هر زمینه دستی از ما با آمریکا بود، آن دست را قطع کنیم... باید دست در دست هم بدهیم تا دشمن اصلی، انقلاب، دشمن اصلی بشریت، یعنی دولت آمریکا را در هم بشکنیم و این دو قشر همراه با توده‌های «ملیون‌ها» که با ما هم‌دشمن هستند که رهبری باندهای مسلح افغانی را در دست دارند.

فعالیت ضد انقلاب در دشت آزادگان

بر اساس اطلاعات رسیده، عوامل ضد انقلاب در دشت آزادگان به تهدید و آذربانی دست می‌زنند. این افراد چندی پیش یکی از هواداران حزب توده ایران را زود کردند و وی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. آدم‌ربانان هوادار حزب توده ایران نیز تهدید کردند و به او گفتند که در صورت فرار از دشت آزادگان، او را خواهند کشت. ما ضمن اعتراض به این عمل ضد انقلابی، از مسئولین اس می‌خواهیم که با هشدار انقلابی، جلوگیری از ضد انقلابیون را بگیرند.

جنبش خلق قهرمان فلسطین از حمایت یدریغ طبقه کارگر ایران برخوردار است.

موانع ساختگی را از...

باقیه از صفحه ۱
پالیسم آمریکا، با قاطعیت حمایت کرده‌اند. این اتحاد شوروی است که مکرراً آمریکا را از تجاوز نظامی بایران بر حذر داشته است. این اتحاد شوروی است که پیشنهاد آمریکا را در مورد تحریم و محاصره اقتصادی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد ویر کرده است. این کشورهای سوسیالیستی هستند که اعلام داشته‌اند برای نوسازی ایرانی مستقل، آماده هرگز کتک و همکاري در تمام زمینه‌ها هستند.

بنابراین چه از نظر مایهت نظام اقتصادی - اجتماعی، چه از نظر سیاست اصولی و اصول سیاست کشورهای سوسیالیستی و فادار به جهان‌بینی سوسیالیسم علمی، و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در وجود این کشورهای سوسیالیستی متحدین راستین در مبارزه علیه امپریالیسم و زامین استقلال کامل و رشد و ترقی و آبادی ایران داشته باشد. این فرضی که ممکن است کشورهای سوسیالیستی و فادار به جهان‌بینی سوسیالیسم علمی «با ما از دردشمنی وارد شوند» فرضی است که هرگز قابل تحقق نیست.

سومین مسئله اینست که: آیا ما در این مدتی که از انقلاب ایران می‌گذرد و در این مدتی که جمهوری اسلامی ایران برقرار شده است، اقداماتی، چنانکه شاید و باید، برای گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی، بویژه با اتحاد شوروی انجام داده‌ایم؟ یا تا سلف باید گفت که نه، انجام نداده‌ایم. برعکس مخالفی در این مدت کوشیده‌اند اتحاد شوروی را حواره دشمن جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران معرفی کنند. «ثوری» کاذب مانویستی - امپریالیستی «دو ابرقدرت» را که یکی از اجزاء تقسیم مندرآوردی جهان به «سه جهان» است، به‌وقور تبلیغ کرده‌اند. به مردم گفته‌اند و تکرار کرده‌اند که فرق چندانی بین آمریکا و اتحاد شوروی نیست، هر دو یکسان استعمارگر و استثمارگر و دشمنان ما هستند.

این مخالفان کمترین توجهی باین واقعیت نکرده‌اند که این «مبارزان مسلمان افغانی» که با دولت افغانستان می‌جنگند، از طرف آمریکا، بوسیله رژیم آمریکایی ضیاءالحق مسلح میشوند و با افغانستان گسیل می‌گردند. آنها چشم بروی این واقعیت بسته‌اند که این «حرکت اسلامی افغانی» از جنس همان «حزب خلق مسلمان» خودمان است. آنها هیچگاه بر دم نگفته‌اند که «رژیم کابل» یک رژیم

دهقان می نویسد:

پیشنهاد این دهقانان در راستای انقلاب است

احتراماً به استحضار عالی میرسانیم، ما کشاورزان زحمتکش مازندران، علی الخصوص شهرستان ساری، حومه فرح آباد، طبق فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، برای خودکفائی و کوتاه نمودن دست امپریالیسم آمریکا اقدام به کاشت کدو نمودیم و تا آنجا که در توان داشتیم، بذگندم را کیلویی ۲۶ ریال از شرکت تعاونی و کیلویی ۳۰ الی ۳۵ ریال از بازار خریداری و با تمام مشکلاتی که درس راهمان بود، از جمله بارندگیهای بی موقع و سیل ونداشتن ابزارکار، تقریباً ۸۰ درصد از زمینهای خودمان را کدو کاشتیم، ولی امروز از طریق شرکت تعاونی

هما اعلام شد که قیمت کدو ۸ کیلویی ۱۸۰ ریال از طریق دولت برای خریداری از کشاورزان به ما ابلاغ شده است. همانطوریکه مستحضر هستید این گرانی و تورم بیشتر از همه بدوش کشاورزان مستضعف و محروم سنگینی میکند و این نرخ واقفانه و عادلانه و باعث دلسردهی کشاورزان میشود و بهیچ وجه بعد از این حاضر نخواهد شد که به این کشت حیاتی بپردازند و به کشت های دیگری که نمی توان برای این ملت بیاخاسته و از بندر دسته مفید باشد، می پردازند که این طبقه در حقیقت بازوی انقلاب بحساب می آید. از آنجا که این کشت قشر زحمتکش هر روز قطعه بقطعه برای این مملکت

درس بوجود نمی آورند، باید زیر پا له شوند؟ استدعای عاجزانه داریم در مورد نرخ کدو تجدید نظر نموده و حداقل قیمت پیشنهادی کشاورزان، که کیلویی ۲۸ ریال است ترتیب اثر داده و فرصت به ضد انقلاب داده نشود، که محصولات کشاورزان را گرانتر از قیمت معمول خریداری نموده و آنان را نابود و باعث وابسته شدن مجدد این کشور شود. این نامه به استاندار مازندران، اداره کل کشاورزی و اداره کل تعاون روستایی استان مازندران ارسال شده است. پیشنهاد این دهقانان بحق و شایسته توجه است. دهقانان

با کلمات خود از یک واقعت پرده بر میدارند و به مقامات مسئول هشدار می دهند که در صورت عدم قیمت گذاری عادلانه نرخ کدو، فرصت ملائی برای ضد انقلاب فراهم می گردد. ضد انقلاب می تواند محصولات کشاورزی را احتکار و با انبوه بردن آن ایجاد قطعی مصنوعی کند و در شرایط حساس سیاسی کنونی و تیز درموقعت فعلی، که گرانی بیداد می کند و طیف وسیعی از اقشار و طبقات محروم از گرانی بی حساب رنج می برند، باید مقامات مسئول دولتی، با اتخاذ سیاستی صحیح، مانع ادامه گرانی و تیز هائیکه پیدایش موقعت های مناسب برای فعالیت ضد انقلاب شوند. به پیشنهاد این زحمتکشان توجه و با خواست آنان موافقت کنید! ایجاد رضایت در زحمتکشان و احترام به خواست های زحمتکشان، ضمانتی است برای حفظ انقلاب!

بزرگ مالکان فارتگر، مسبب بدبختی دهقانان و عقب ماندگی دهات و پایگاه امپریالیسم جهانی تر هستند. انقلاب ایران باید هر چه سریعتر و قاطع تر بساط بزرگ مالکی را برچیند

«بندامیر»ی هادر بند گذری به روستا

آماده باش! دهقانان تهیدست (بی زمین و کم زمین) آماده اجرای قانون اصلاحات ارضی باشید

دهقانان عزیز!

بزرگی نمایندگان وزارت کشاورزی، اعضای کمیته های ۷ نفری و نمایندگان جهاد سازندگی وارد روستاها خواهند شد، تا قانون جدید اصلاحات ارضی را اجرا کنند.

قانون اصلاحات ارضی خوبیهای مازرانی است که در طول قرنها، در راه رسیدن زمین دهقانان، جان سپرده اند. نتیجه آن همه نبردها و حق طلبی ها است، که همه شما انجام داده اید. محصول آنچه را که خود کاشته اید، حالا باید با دلت و با قاضیت بدست آورید.

قانون اصلاحات ارضی نمره انقلاب بزرگ ما است و اگر بطور کامل اجراء نشود، با تعریف شود و ریشه بزرگ مالکین را نکند، انقلاب ضربه خواهد دید و به یکی از هدف های مهم و اصلی خویش نخواهد رسید.

قانون اصلاحات ارضی با دادن حق به حق دار و زمین بکلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، یک تکیه گاه مهم امپریالیسم را از بین خواهد برد و شرایط را برای شکوفایی کشاورزی و زندگی انسانی و بهتر برای دهقانان فراهم خواهد ساخت.

بنابراین، سعی کنید این واپسین لحظه اجرای قانون اصلاحات ارضی، بدون آنکه خدمه و لبرنگ زر و زور بزرگ مالکان و نمایندگان امپریالیسم تاثیر داشته باشد، سپری شود. مواظب باشید که حق شما پایمال نشود و زمینداران بزرگ از پول و نفوذ و حقه بازی برای تحریف آن سوء استفاده نکنند.

دهقانان بی زمین و کم زمین! لازمست ۲ تن نماینده برای شرکت در هیئت اجرای قانون، از زمین دهقانان بی زمین و کم زمین تعیین شود، تا با تکیه حاکم شرع به عضویت هیئت در آید. مواظب باشید تا نمایندگان مالکان بزرگ، وابستگان رژیم سابق، گردانندگان حزب رستاخیز و عمال ساواک انتخاب نشوند. مواظب باشید تا نمایندگان واقعی شما به هیئت نبروند و از حقوق حقه و مسلم شما دفاع نکنند. مسائل، خواست ها و دعوای های خود را با نمایندگان جهاد سازندگی و پاسداران انقلابی در میان بگذارید، تا شمارا برای شرکت در هیئت مزبور راهنمایی کنند. این نهاد های انقلابی در اکثر نقاط حامی و یاور دهقانان بی زمین و کم زمین بوده اند. شما هم با آنها تکیه کنید و با آنها برای اجرای درست و قاطع قانون برای روستاها و زمین و کم زمین!

دهقانان بی زمین و کم زمین!

برای این منظور پیش از همه مواظب خرمنها باشید، تا عمال ضد انقلاب، این نوکران حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا و مالکان بزرگ، نتوانند محصول را در این شرایط انقلابی از چنگ شما بیرون آورند. برای این منظور همچنین مواظب تحرکات و خرابکاری های عمال بزرگ مالکان باشید. آنها در این لحظات ممکن است، دست به تخریب بزنند و چماق داران خود را به ده بفرستند. ولی شما اگر متحد باشید و به نیروهای انقلابی سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تکیه کنید، اربابان فارتگر هیچ غلطی نمی توانند بکنند. آنها کوچکتر از آنند که بتوانند در برابر تصمیم انقلاب و اراده شما بایستند. حق با شماست و شما پیروز خواهید شد.

آماده باشید! بمسئولان دولتی و نهاد های انقلابی برای اجرای هر چه سریعتر و بهتر و قاطعتر اصلاحات ارضی کمک کنید.

روستای بندامیر در ۴۰ کیلومتری مرودشت و در جوار سدی که به همین نام بر روی رودخانه کر اجداث شده، قرار دارد. این روستا دارای ۴۰۰ خانوار است، که از این تعداد ۱۰۰ خانوار خوش نشین هستند. بندامیر بعلت اراضی وسیع حاصلخیز، یکی از مناطق مهم کشاورزی استان فارس بشمار میرود.

در نخستین برخورد وضع اقتصادی ده توجه هر کسی را جلب میکند، زیرا وضع فعلی مالکیت زمین های زیر کشت، نمونه بارز سیاست عوام فریبانه رژیم سابق و اصلاحات ارضی شاهانه است.

مالک سابق این روستا و ۲ روستای همجوار دیگر، با حیل و مکر در جریان اصلاحات ارضی سال ۴۱، زمین های خود را به اصطلاح بین زارعین «تقسیم» کرد. بدین شکل که بنام عده ای با پول و حیل، اراضی نسبتاً وسیعی خریداری شده. مثلاً زمیندار، که از یک خانواره هستند، دارای ۱۰۰۰ هکتار زمین زیر کشت آبی و همچنین ۶۰۰ هکتار دیگر هریک دارای ۳۰۰ هکتار زمین هستند و همانطور که گفته شد ۱۰۰ خانوار نیز خوش نشین (بی زمین) هستند که عده ای از آنان بر روی زمین های زدن داران معمول بطور روزمزدی (روزانه ۴۰-۵۰ تومان) کار می کنند.

۱۵۰ خانوار خرده مالک، هریک صاحب ۲ تا ۸ هکتار و بقیه از خرده مالکان نسبتاً مرفه (متوسط) هستند، که هریک ۱۲ الی ۲۰ هکتار زمین دارند.

خوش نشینان بندامیر، پس از پیروزی انقلاب، ۱۰۰ هکتار از اراضی مالک را موسوم به «نامی» رسماً بزرگ کشت بردند و بطور مساوی (هریک یک هکتار) بین خود تقسیم کردند. (این زمینها از اراضی روستای بندامیر بوده است، که نامی فئودال در دوران رژیم پهلوی بزرگ غصب کرده بود).

در حال حاضر این مالک چهار فراری است و از نمره کار و کوشش دهقانان، در آمریکا به کسب و کار مشغول است. دهقانان بحق می طلبند که این زمینها بخود آنها واگذار شود و ریشه غارت و تسلط مالک کننده شود.

پایینکه بندامیر اراضی وسیعی دارد، ولی تعداد کثیری از خرده مالکان صاحب زمین بسیار ناچیزی هستند. وضع خوش نشین ها که دیگر معلوم است.

فراری، مالک سابق بندامیر در حال حاضر نیز دارای بیش از ۱۴۰ هکتار زمین است. هنگامی که پای صحبت دهقانان می نشینی، می بینی که برخی از دهقانان فریب اسلام نمایی، و ظاهر سازی و یا خورده، میگویند که او به اختیار خودش زمینها را «تقسیم» کرد، ولی دهقانان در بند هستند:



این نمای عمومی روستای بندامیر در نزدیکی شیراز است بازسازی روستاها و تامین مسکن شایسته برای روستائیان از وظایف حیاتی آینده نزدیک است

در بندامیر، در بنسب قبیل مانده گی، به برکت بندی که قرنها پیش ساخته شده و هنوز نقش مهمی در تامین آب مورد لزوم دارد، گندم و چند کاشته می شود و دولت برای هر هکتار زمینی که آب داده میشود، ۱۰۰ تومان دریافت میدارد. در اینجا نیز، آب را توسط پمپهای قوی از کانال به مزارع می رسانند. اما آب که مال همه مردم و کشور است و قاعدتاً مالک ندارد، سد هم که مال دولت است و ساخته شده سال پیش است، به این حال نکته جالب اینکه صاحبان پمپهای آب بیشتر همان زمیندارانند. آنها از مالکیت پمپ برای بهره کشی از دهقانان استفاده میکنند. اکثر خرده مالکان که فاقد تراکتور هستند، برای شخم زمین هایشان باید آنرا کرایه کنند. همچنین برای دروی گندم، کبابین های - برای هر هکتار

۴۰۰ تومان - کرایه می کنند. به این ترتیب صاحبان زور و زر، با داشتن پمپ و تراکتور، همچنان سفره غارت را گسترده و دهقانان زحمتکش را در بند بهره کشی و اسارت نگاه داشته اند. بعلت کشت بی رویه، در زمین روبروز کمتر می شود، و در نتیجه کود شیمیایی برای افزایش بهره روری شدیداً لازم است، ولی دهقانان بهر چیز از گرانی این کالا اظهار ناراحتی می کردند. خلاصه اینکه، وقتی به آیین روستا میروی، بار دیگر یقین حاصل میکنی که زمین های این روستا باید بطور عادلانه به تمام زارعین زحمتکش واگذار شود و نابرابری فاحش در روستاها از بین برود و وسایل تولید و پمپ آب و تراکتور و سایر ابزار در اختیار دهقانان گذاشته شود.

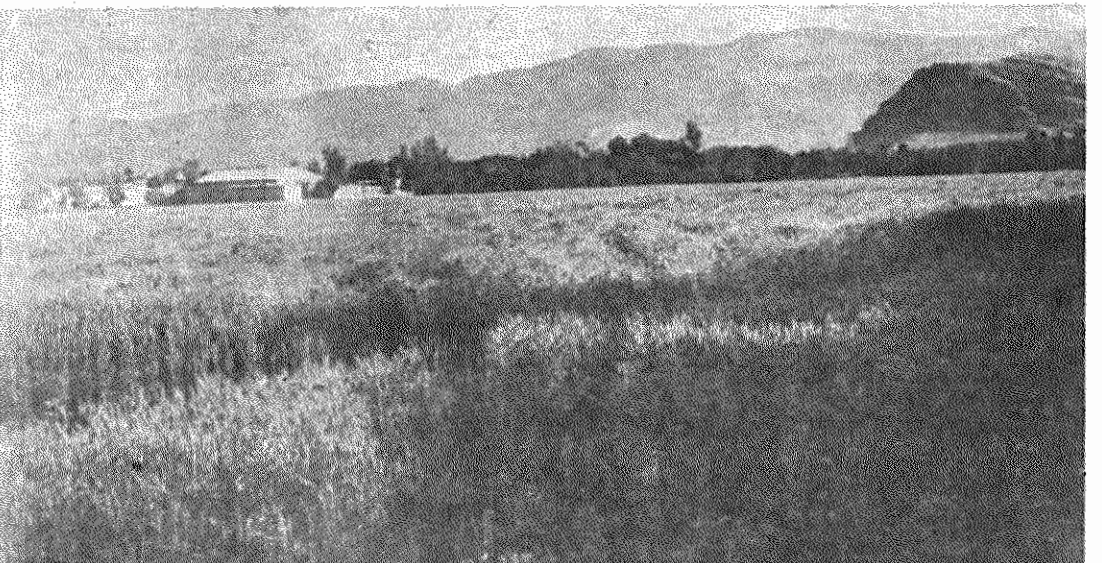
به هنگام گذار از روستای بندامیر، جویای وضع آموزش و بهداشت شدیم. مدرسه این روستا راه، که تا کلاس سوم راهنمایی در آن تدریس میشود، نشان دادند. باید گفت که بعلت آمدن دانش آموزان دیگر روستاها به این ده، امکانات آموزشی بندامیر بایستی افزایش یابد. درمانگاه بندامیر را هم دیدیم، ولی دکتر این درمانگاه فقط هفته ای ۳ روز و آنهم یکی دو ساعت به درمانگاه می آید. بعلت ماندن آنها و سدی که وجود دارد، پشه زیاد است و این مسئله اهالی را آزار میدهد. درباره مسائل رفاهی پرسیدیم: بندامیر دارای حمام و آب لوله کشی است. مدتی قبل کابل برق را به روستا کشیده اند، ولی هنوز پنجاهای برق ندهاده اند و در حقیقت روستا فاقد برق است. سیل یکی از مشکلات دائمی

این روستاست، که همساله بر اثر طغیان آب خسارات گوناگونی به دهقانان وارد می سازد. حتی گاهی اوقات برای رفت و آمد از قایق استفاده میکنند. سد «بندامیر» از سنگ و سیان، ساخته شده و اکنون دیگر دارای استحکام لازم نیست. برای سود چستن از این منبع عظیم، یعنی رودخانه کر، چه از جهت تامین برق و چه از جهت کشاورزی، باید سدی پیشرفته تر و اصولی تر در این منطقه احداث گردد. دهقانان به صنایع دستی توجه زیاد میکنند:

زنان و دختران در این روستا به کار قالی بافی و گلیم بافی... نیز می پردازند، ولی سودجویان در شهر این گونه کالاهای ارزشمن را به بیای ارزانی از آنان خریداری میکنند. دهقانان معتقد بودند که دولت انقلاب باید از این گونه صنایع، حمایت کند و کمکهای لازم را در اختیار زنان زحمتکش روستا قرار دهد.

در راه بازگشت از ده، بار دیگر عملاً اهمیت راه مرودشت به بندامیر راه، که خاکسی و ناهموار است، حس کردیم. بعلت نقض اقتصادی و رفاهی این جاده در منطقه، لازم است مسئولین راه و ترابری بفکر اسفالت و مرمت این راه باشند.

بر روی هم حل مسئله ارضی در این روستا عاجل ترین گامی است که در جهت بهبود شرایط تولید و زندگی دهقانان باید برداشته شود، و بدینال آن، تهیه وسایل تولید و توجه به کارخانه های جنبی روستائی و نیز رسیدگی به مسائل رفاهی و زیر ساخت این روستا مدنظر قرار گیرد. با همت خود دهقانان و با کمک جهاد سازندگی و سایر مسئولین میتوان برای بندامیری ها رفاه و تولید بیشتر و زندگی قارغ از استثمار را بوجود آورد و آنها را از بندهای اسارت و عقب ماندگی و فقر رهایی داد.



خرمن ها در باد موج می زنند. اینها محصول دسترنج دهقانان بندامیر است، محصولی که نمره کار آنهاست، ولی متعلق به آنها نیست

دهقانان کم زمین و بی زمین! باتشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد لیسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بدون دشمنان اجرا شود

پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز به سود خلق ها است

همزیستی مسالمت آمیز محصول واقعی گسترش نابرابر روند انقلاب سوسیالیستی جهانیست. همزیستی مسالمت آمیز پدیده خاصی دوران ما، یعنی دوران گذار از جامعه استعماری طبقاتی به جامعه فرغ از استعمار، از جامعه سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی است.

با پیدایش اولین دولت سوسیالیستی جهان در اکتبر ۱۹۱۷، همزیستی دو سیستم اقتصادی-اجتماعی عملا واقعیت پیدا کرد.

از نظر تاریخی مسئله چنین مطرح شد که: این همزیستی چگونه باید باشد؟

امپریالیسم جهانی خوار یا فرمول کلماسوف، نخست وزیر فرانسه، باین مسئله پاسخ داد: «مداخله مسلحانه و محاصره» یعنی دولت امپریالیستی تمام تلاش خود را کردند تا اولین دولت سوسیالیستی جهان را با مداخله مسلحانه و جنگ داخلی سرکوب کنند، چون در این امر شکست خوردند، تصمیم به «محاصره کردن آن گرفتند».

اما کمونیستها با فرمان صلح لنین بدان پاسخ دادند: «برای محافظ صلح و امکان کامل کاربرد همه نیروها در راه احیای اقتصادات از همه چیز گروا تها باز است».

(لنین، مجموعه آثار، جلد ۴۲، صفحه ۳۱۹).

همه رویدادهای این شصت سال تاریخی، که از مداخلات مسلحانه و هجوم ۱۴ دولت مقتدر سرمایه داری آن روز علیه اولین دولت نوپیدا سوسیالیستی جهان میگذرد، به نحوی قطع درستی و پیروزی نظریه کمونیستها و بطالان و شکست صورتها امپریالیستها را نشان داده است.

نظریه همزیستی مسالمت آمیز را لنین در مبارزه شدید با انواع گوناگون عناصر چپ افراطی (تروتسکی، بوخارین و دیگران)، که امکان همزیستی مسالمت آمیز جمهوری سوسیالیستی با دولت سرمایه داری را انکار می کردند، و معتقد به «مداخله سرخ» یعنی صدور انقلاب بدیگر کشورها بودند) دفاع کرد و گسترش داد. بویژه لنین نشان داد که آشتی ناپذیری منافع طبقاتی پرولتاریای پیروز و بورژوازی جهانی نمیتواند مانع غیرقابل عبوری در سر راه استقرار مناسبات مسالمت آمیز بین دولت سوسیالیستی و سرمایه داری باشد. شکست ضدانقلاب داخلی و خارجی و ثبات وضع در کشورهای و مرزهای آن، حقیقت لنین را ثابت کرد.

در سال ۱۹۲۱ لنین متذکر شد که در مناسبات بین روسیه شوروی و جهان سرمایه داری «موازنه ای فوق العاده ناپایدار، ولی در هر حال موازنه» برقرار شده است (همانجا، جلد ۴۴، صفحه ۴۹۱).

جنبه فوق العاده ناپایدار این موازنه و درک روشن-بینانه این نکته، که با چنان تناسب نیروها، امکان تلاشهای مجدد امپریالیسم جهت سرکوب جهان نوپیدا سوسیالیسم بوسیله اعمال زور کاملا وجود دارد، حصول به «تفکی مسالمت آمیز» راه، وظیفه درجه اول سیاست خارجی دولت شوروی کرد. دولت شوروی به انجام این وظیفه توفیق یافت و جنگ بیست سال به تعویض انداخته شد.

نقش قاطعیکه اتحاد شوروی در سرکوب فاشیسم ایفا کرد، تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم، فروپاشی امپریالیسم، استعمراتی، انتزاعی همگانی جنبش های رهایی بخش ملی به تغییرات بنیادی در عرصه جهانی، منجر گردید. تناسب ناموزون از نیروها، وجود آمد، که برتری روزافزون سوسیالیسم جهانی بر امپریالیسم از مشخصات آنست. نیرو-

همزیستی مسالمت آمیز یکی از مسالمت که در مرکز مباحثات حاد سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد. بعضی اندیشمندان و سیاستمداران راست گرا چنین نظری را تبلیغ میکنند که گویا سیاست همزیستی مسالمت آمیز فقط یک «جبله» و «مانور تاکتیکی» مارکسیست است که مقصدش استوار «صدور انقلاب» است.

گروهی دیگر از لیبرال ها (همچنین سوسیالدمکراتها و روزیویستها) همزیستی مسالمت آمیز را راهی بسوی خاموشی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک بین سرمایه داری و سوسیالیسم، راهی بطرف همگرایی این دو سیستم تضاد قلمداد می کنند.

بالاخره، عده ای از چپ نمایان تلاش فراوان دارند لایت کنند که گویا همزیستی مسالمت آمیز مفایر با مبارزه طبقاتی و انترناسیونالیسم سوسیالیستی است و از انتزاعی جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی جلوگیری می کند.

برای روشن شدن ماهیت و مقصد این گونه تفسیر و تغییرها باید دید که همزیستی مسالمت آمیز چیست و چگونه بوجود آمده است؟

همزیستی مسالمت آمیز نوعی از مناسبات بین دولتی است یا رژیم های اجتماعی مختلف است، که مبتنی بر اصول زیر باشد:

۱- خودداری از جنگ همچون وسیله حل مسائل مورد اختلاف بین دولتها و کوشش برای حل آن مسائل از طریق مذاکرات.

۲- برابری حقوق، تفاهم متقابل و اشتاد بین دولتها از طریق رعایت حقوق یکدیگر.

۳- عدم مداخله در امور داخلی و شناسائی حق هر خلق در انتخاب آزاد رژیم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی خود.

۴- احترام واقعی به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها.

۵- گسترش همکاری اقتصادی و فرهنگی بر اساس برابری کامل و نفع متقابل.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز، سیاستی است که در راه استقرار و گسترش چنین سیستمی از مناسبات بین دولتها، از طریق کاهش رخاقت اوضاع بین المللی کوشش می کند. این سیاست برای آنستکه مناسبات تسلط و تبعیت، «آفتاب و بندگی» را از عرصه سیاست و زندگی بین المللی بزداید. موازن بین دولت های امپریالیسم با سرخوشی زیر پا میگذارد، تثبیت کند.

همزیستی مسالمت آمیز شکلی از مبارزه طبقاتی بین سوسیالیسم و سرمایه داری در مقیاس جهانی است، اما شکلی است ویژه، زیرا:

اولاً، مبارزه، بین طبقات حاکم های صورت میگیرد که هر یک از آنها دارای قدرت دولتی هستند (نه بین طبقه حاکم مستکبر از یکسو و طبقه محکوم مستضعف از سوی دیگر). ثانیاً، تضاد بین دو سیستم اقتصادی - اجتماعی، که ذاتاً تضادی است آشتی ناپذیر، از سطح تضادات نظامی به مسیر مسالمت آمیز، سابقه بین سیستم های اجتماعی و شیوه های زندگی، به سیر مبارزه ایدئولوژیک منتقل می شود. بدین ترتیب، وحدت مبارزه و همکاری، که جنبه مشخصه همزیستی مسالمت آمیز و منشاء تضاد داخلی آنست، نیروی محرکه دائمی جهت جستجوی راه حل-ثبیت که تضاد نظامی را متوقف کند و برای طرفین قابل قبول باشد.

های صلح امکان واقعی یافتند تا میدان فعالیت نیروهای جنگ را به نحوی اساسی تکتک کنند. بویژه آنکه، با ایجاد اسلحه هسته ای، موشکی در اتحاد شوروی، تکیه امپریالیسم به جنگ جهانی هسته ای همچون وسیله نیل به هدفهای سیاسی غیر عملی گردید. همه اینها مقدمات گسترش چارچوبه و مضمون سیاست همزیستی مسالمت آمیز را فراهم ساخت. نتیجه اصولی کنکره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره امکان پیشگیری از جنگ جهانی جدید مورد تأیید جنبش جهانی کمونیستی و کترگری قرار گرفت. در پانزدهمین کان این احزاب، در سال ۱۹۶۰، تأکید گردید که با سامی متحد اردوگاه جهانی سوسیالیسم، طبقه کترگر بین المللی، جنبش های رهایی بخش ملی، همه کشور-هاییکه، با جنگ مخالفند و همه نیروهای صلحبودست می-توان جلوی جنگ جهانی را گرفت.

اعتقاد عمیق باین حقیقت، بنیاد فعالیت عملی اتحاد-شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای هوادار صلح را تشکیل داد. امضای یک رشته قراردادهای (اتحاد شوروی و لهستان با آلمان فدرال در سال ۱۹۷۰، موافقتنامه چهار جانبه درباره برلین غربی در سال ۱۹۷۱، موافقتنامه جمهوری دیمکراتیک آلمان با آلمان فدرال در سال ۱۹۷۲ و چکسلواکی با آلمان فدرال در سال ۱۹۷۳ و غیره) شرایط مناسب جهت چرخش از جنگ سرده بسوی

تنش زدائی و صلح را در اروپا فراهم کرد. در همین شرایط بود که پیروزیهای بزرگ جنبش های رهایی بخش ملی، مانند آزادی هندوچین، استقلال خلفهای مستعمرات سابق برتغال، تحولات مهم تاریخی نظیر ورود دولت های زیادی به راه رشد غیر سرمایه داری و غیره روی داد. چندین ده کشور نواستقلال و نوبنیاد به نقشه جغرافیا اضافه شد.

تجربه تاریخی نشان میدهد که سیاست تنش زدائی به هیچوجه بمعنای سازش با وضع موجود و تضعیف مبارزه علیه امپریالیسم، استعمرات و نواستعمار، علیه ظلم ملی و ستم اجتماعی نیست، بلکه برعکس، هدف این سیاست تشدید مبارزه در این سمت و ایجاد امکان برای خلفاست، تا خود، بدون مداخله خارجی، درباره سرخوش خویش تصمیم بگیرند.

سوسیالیسم واقعی، که «صدور انقلاب» را مردود می-داند، بیچوجه خود را از جنبش های رهایی بخش جدا نکرده و نمیکند. لنین میگفت که به انقلاب سوسیالیستی جهانی «باید کمک کرد» و همانجا میافزود، اما «باید کمک کردن به آرا بلند بونه» (آثار، جلد ۳۵، صفحه ۳۹۶).

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، لنین برفرد، در کنفرانس ۲۵ حزب، در بحث مربوط به مبارزه طبقاتی و مسئله تنش زدائی گفت:

«در دوران کنونی، که تنش زدائی به واقعیتی بدل شده است، هم در جنبش جهانی کارگری و هم در میان مخالفان آن، از این مسئله سخن میروند که تنش زدائی چه تاثیری در مبارزه طبقاتی میبخشد. برخی از سیاستمداران بورژوا از همه یگتی کمونیست های شوروی و مردم شوروی با مبارزه در راه خفای دیگر در راه آزادی و ترقی ایراز شگفتی می کنند و هیاهو براه می اندازند. این کار یلاز روی ساده لوحی

روز سیزدهم خردادماه جاری، بهمت نبودن حفاظ و ایمنی روی دستگاه، دستچپیکی از کارگران قسمت چسب زیر دستگاه رفت. کارگران تعمیرگاه و دیگر قسمتها پس از گذشت حدود بیست دقیقه با تلاش مستمر، موفق شدند دست کارگر مذکور را از لای دستگاه بیرون آورند و او را به بیمارستان سپس به تهران منتقل کنند.

جالب توجه است که در کارخانه آمبولانس وجود ندارد. و در روز حادثه در سراسر یک آمبولانس هم در دسترس نبود و کارگران بناچار مصدوم را با اتومبیل شخصی به تهران انتقال دادند.

مدیر عامل کارخانه، که منتخب دولت محوقته همنس بازرگان است، در پاسخ به کارگران قول داده است که آمبولانس خریداری کند و در اولین فرصت نسبت به رفع نقایص ایمنی دستگاهها اقدام نماید.

متأسفانه فقط با وقوع چنین حوادث دردناکی است که گوشه های اعظم رعایت ضوابط و موازین کار بر ملا می شود. آنچه مسلم است این که با وجود دولتی شدن کارخانه، به علت سلطه سیاست «کام بکام»،

مسئولین امر در این مورد، بهره برداری و تحریک از ضد-پنهان برای شایعه پردازان و نفاق انگکان خواهد بود. رسیدگی فوری به پرونده عاملان این فاجعه نه تنها فرصت هرگونه

مطالبه ایست که میگوید، بلکه سنجهای دیگر از جنایات شاه مخلوع را در برابر چشمان جهانیان خواهد کشود.

مسئولین امر در این مورد، بهره برداری و تحریک از ضد-پنهان برای شایعه پردازان و نفاق انگکان خواهد بود. رسیدگی فوری به پرونده عاملان این فاجعه نه تنها فرصت هرگونه

رویدادهای ایران

فعالیت دیگری از «سیا»

عاملان جنایت سینما رکس آبادان را تعقیب و مجازات کنید

تزدیک به دو سال از فاجعه سینما رکس آبادان میگذرد. رژیم مفسد و ضد مردمی پهلوی در اوج مبارزات مردم ایران، با دست زدن به این جنایت هولناک یاد دیگر پرده از چهره کریم خود درید.

پس از گذشت ۱۵ ماه از انقلاب شکوهمند ایران، پانزده گان قربانیان این فاجعه یکبار دیگر رسیدگی به پرونده این جنایت وحشتناک را طلب کرده اند. این ناپیوسته ترین خواست دادگدگان است که هر یک عزیز یا عزیزانی را در این فاجعه از دست داده اند، اما متأسفانه شاهد آن هستیم که مقامات مسئول باین خواست برحق این چکر سوختگان با بی توجهی برخورد می کنند. طبیعت انقلاب ردادگاههای انقلاب ایجاد می کند همانطور که دیگر عاملان و مزدوران چنانکار رژیم منفور پهلوی را به کیفر اعمال خود رساند، مجریان این جنایت وحشیانه را در برابر دیده گان جهانیان انشاء کنند، عاملان آن را معرفی نمایند و در دادگاههای انقلاب بجزای اعمالشان برسانند. عزیزان را در «کوره آدوسوزی آریامهری» از دست داده اند، خوستی است برحق و وسیله انگاری

عوامل وابسته به سازمان سیا آمریکا و از جمله هواداران گروه مونیستها Moonista که یکی از گروه های سیا ساخته است، اخیراً اقدامات جدیدی را در داخل کشور علیه انقلاب ایران آغاز کرده اند. هواداران ایرانی گروه مونیستها، که توسط سازمان سیا حمایت میشود، مدتی است که تحت عنوان مستنشین افکاره به خانه های مردم می روند و در مورد وضع زندگی از آن ها پرس و جو می کنند. معمولاً هم سؤال این ارزیابان آمریکایی افکار ایرانیان (!) با این شروع میشود: «آیا از زندگی خود راضی

هستید یا نه؟» بعد بین مردم کتاب های ضد کمونیستی پخش می کنند. لازم به توضیح است که گروه مونیستها توسط مردی به نام «مون» از ژرمنستان بنام کره جنوبی زیا حمایت سازمان سیا ایجاد شده است.

«مون» ظاهراً برای وحدت همه مسیحیان جهان تبلیغ میکند، ولی در واقع تنها هدفش تبلیغات ضد کمونیستی است.

بر اساس تالیفات استادان آمریکایی خود، آمریکا را «بهشت» عالم میداند و از سوسیالیسم به مثابه شیطان بزرگ حرف می زند. مقربان آقای کره ای طبعاً آمریکا، جنب سیاست.

در کارخانه کارتن کارقم، دستگاه بی حفاظ حادثه آفرید

در کارخانه کارتن کارقم، صبح بهمت نبودن حفاظ و ایمنی روی دستگاه، دستچپیکی از کارگران قسمت چسب زیر دستگاه رفت. کارگران تعمیرگاه و دیگر قسمتها پس از گذشت حدود بیست دقیقه با تلاش مستمر، موفق شدند دست کارگر مذکور را از لای دستگاه بیرون آورند و او را به بیمارستان سپس به تهران منتقل کنند.

جالب توجه است که در کارخانه آمبولانس وجود ندارد. و در روز حادثه در سراسر یک آمبولانس هم در دسترس نبود و کارگران بناچار مصدوم را با اتومبیل شخصی به تهران انتقال دادند.

مدیر عامل کارخانه، که منتخب دولت محوقته همنس بازرگان است، در پاسخ به کارگران قول داده است که آمبولانس خریداری کند و در اولین فرصت نسبت به رفع نقایص ایمنی دستگاهها اقدام نماید.

متأسفانه فقط با وقوع چنین حوادث دردناکی است که گوشه های اعظم رعایت ضوابط و موازین کار بر ملا می شود. آنچه مسلم است این که با وجود دولتی شدن کارخانه، به علت سلطه سیاست «کام بکام»،

مسئولین امر در این مورد، بهره برداری و تحریک از ضد-پنهان برای شایعه پردازان و نفاق انگکان خواهد بود. رسیدگی فوری به پرونده عاملان این فاجعه نه تنها فرصت هرگونه

نمایشگاه جنایات شاه مخلوع در تبریز

در آذربایجان، به همت فرقه دمکرات آذربایجان-سازن حزب توده ایران در آذربایجان، در هفدهمین سالگرد قیام ۱۵ خرداد، نمایشگاه عکسی از «جنایات شاه مخلوع بعد از کودتا و هفته خونین ۱۵ خرداد» در تبریز برگزار شد. این نمایشگاه که مدت چند روز ادامه داشت با استقبال مردم شهر تبریز روبرو شد.

اعلام در برهان یافته می چرخد نواقص یعنی هستند و بجاست که وزارت کار برای حصول اطمینان بازی کرد و به خصوص، همانطور که به حال مسئولین کارخانه ها از رعایت این موازین، کامهای عملی و مطمئن بردارد. قبل از وقوع باید نکرد.

در آذربایجان، به همت فرقه دمکرات آذربایجان-سازن حزب توده ایران در آذربایجان، در هفدهمین سالگرد قیام ۱۵ خرداد، نمایشگاه عکسی از «جنایات شاه مخلوع بعد از کودتا و هفته خونین ۱۵ خرداد» در تبریز برگزار شد. این نمایشگاه که مدت چند روز ادامه داشت با استقبال مردم شهر تبریز روبرو شد.

اعلام در برهان یافته می چرخد نواقص یعنی هستند و بجاست که وزارت کار برای حصول اطمینان بازی کرد و به خصوص، همانطور که به حال مسئولین کارخانه ها از رعایت این موازین، کامهای عملی و مطمئن بردارد. قبل از وقوع باید نکرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

۷ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو
عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

روزی که «پرویز» اسطور ه شد...

سرود شبی که سحر نداشت

با رود می روی
خیم دره های عاصی رویش
بر دست پر نوید تو جباریست
و با من هزار بیم!
ای نو بهار روشن فردا
در مردم نگاه تو، من سبز می شوم!
خون در عروق عاشق جویباران
سرریز می کند.

بی تاب بیدریغ شب گیسوان تو،
بر موج مهر روی سلامت ستیز تو،
صبح است و با سلام -
زورق امید می برم،
ای پالتر ز خاله!
طوفان آرزوی توام:

پیک صد غریو
پرواز را تو بال و پرم باش!

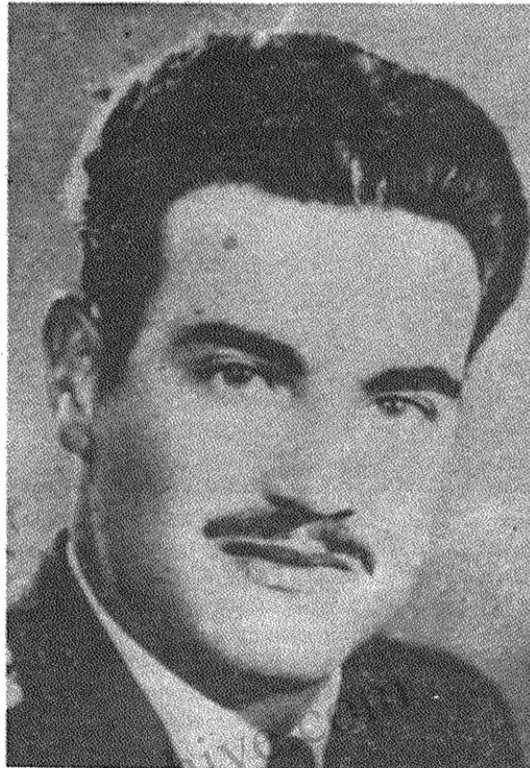
هان ای عروس عاشق شهر ترانه ها!
بستان شاد عارض گلگونه تو را
با نام حزب
با یاد خلقی:
در فالهای حافظ بیم و امید تو -
گلشانه می زدم.
دست از قفس در آر!
من در گلوی نغمه سرای قناریات
مستانه می شوم
سربرکش از سلاسل اعصاب
و اوج گیر
بر نام انقلاب!

گفتم: نسیم را
با عطر سینه تو بهر قصاندر آورم
و آن که سرای سینه تاریک و خسته را
با روشن سرود تو لختی صفا دهم!
گفتم، ولی...
کبوتر رویا

پرپر زان ز دیده نهان شد.
چشمان خسته تب وصلم
در خون نشست و
برده شب ناتمام ماند!

امروز را
آویز دور اختر خورشیدوار تو
هم با فروغ خویش،
با شب گذاشت... رفت.
فردا مگر دوباره برآیم بکار خویش!

۵۳۳۲۵



۷ سال از شهادت یکی از بهترین
فرزندان خلق ایران، یکی از
قهرمانان تابناک جنبش کارگری
و کمونیستی ایران، رفیق شهید
پرویز حکمت جو، عضو کمیته
مرکزی حزب توده ایران، در زیر
شکنجه های وحشیانه جلادان شاه
مخلوع میگذرد.
۷ سال پیش در چنین روزهایی
جلادان شاه مخلوع رفیق حکمت جو
را، بعد از ۹ سال زندان، باردیگر
به شکنجه گاه بردند. دشمن در
تأیید تاور پرویز آینده شکنان
را میدید، که از اوضاع تاریکی
خونناک آرماسری سر بر می کشید
و آینده بیروزی خلق را نوید
میداد. دشمن در چشمان حکمت جو
شراری از آن خرم شعله ر خشم
توده های رامیدید که هیچ تازه ای
راش نمیکرد. دشمن میخواست
آن سرخسخته را، که پیش هیچ
زوری خم نمیشد، فرود بیاورد و
آن لبان قهرمانی را به پاسخ
«آری، بکشاید، پاسخ حکمت جو،
مثل همه قهرمانان خلق و مثل
همه رهروان قافله بی پایان شهیدان
توده های «له» بود. دشمن همه توان
خود را بکار گرفت و زیر
رحمیانترین شکنجه ها بیکر
حکمت جو را دردم خرد کرد.

آخرین پرواز...

که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست!
و این غزل را بارها می خواند و تکرار می کرد.
رسولی جلاد به او التماس می کرد: اطلاعات می -
خواست! و نگاه سنگین پرویز سنگ قلب او را خرد می کرد.
روز ۲۵ خرداد، ناهار را که خوردیم، صدای خشک
فلز، آوار دلهره بود: پرویز را برای بازجویی مجدد
می بردند. پرویز نیامد. و شب در رسید. شب از نیمه گذشت،
سلول مجاور همچنان خالی بود...

درجهان سوسیالیسم

مقام اتحاد شوروی در تولید جهان و اروپا

جدول زیر مقام برخی از فرآورده ها و صنایع اتحاد جماهیر شوروی را در تولید جهان و اروپا در ۶۵ سال نشان میدهد.

	۱۳۵۷	۱۳۰۷	۱۲۹۲		
کل تولید صنعتی	پنجم	چهارم	چهارم	درجهان	در اروپا
برق	هشتم	ششم	ششم	درجهان	در اروپا
نفت	دوم	اول	اول	درجهان	در اروپا
گاز	در روسیه پیش از انقلاب ناچیز بود	چهارم	دوم	درجهان	در اروپا
ذغال سنگ	ششم	پنجم	پنجم	درجهان	در اروپا
فولاد	پنجم	چهارم	چهارم	درجهان	در اروپا
فرآورده های شیمیایی	-	-	-	درجهان	در اروپا
کودکانی	-	-	-	درجهان	در اروپا
صنایع ماشین سازی	چهارم	سوم	سوم	درجهان	در اروپا
تراکتور	در روسیه پیش از انقلاب تولید نمیشد	-	-	درجهان	در اروپا
سهمان	پنجم	چهارم	هشتم	درجهان	در اروپا
کنش چرمی	-	-	-	درجهان	در اروپا
پنچال خانگی	در روسیه پیش از انقلاب تولید نمیشد	-	-	درجهان	در اروپا
نقد	چهارم	دوم	ششم	درجهان	در اروپا
کره	-	-	-	درجهان	در اروپا

۱۳۵۶ پیکره

درجهان سرمایه داری

بیسوادی و کم سوادی در ایالات متحده امریکا

بموجب گزارشی، که از سوی «شورای پژوهش کارنگی» در برکلی (کالیفرنیا) منتشر شده، بیش از یک سوم جوانان ایالات متحده آمریکا، از چنان سطح نازل آموزش همگانی «بهره مند» میگردند، که آنها را از هرگونه امکان تکاملی محروم میسازد. در این گزارش خاطر نشان میشود، که ۶۲ درصد جوانان آمریکا، بین ۱۶ تا ۲۱ سال، از هیچگونه آموزشی برخوردار نیستند.

پایان بروند و بایکباری مان خود، همراه سایر نیروهای انقلابی و خلقی، ریشه های تسلط امریعی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، راز خشک و پلنی که خون «حکمت جو» ها آنرا آبیاری کرده است، میکنند.

اسطوره دیگری به تاریخ پرافتخار مبارزات خلقهای ایران افزود. در هفتمین سالگرد شهادت رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، توده های باخون رفیق شهید خود پیمان می بندند که راه او را تا

نگهبان بند از پاسبانهای قدیمی آشنا بود. می دید که خوابان نمی برد. آمد. در سلول را باز کرد. نشست. ساکت بود. سیگاری آتش کرد و ما را به دستشویی فرستاد. برگشتیم. با احتیاط از او پرسیدیم: «سلول بقلی چی شده؟» نگاه شیشه وارش در دلان شکست. جواب نداد. رفت. در سلول را بست و رفت. صبح که پستش تمام شده بود، آمد برای خدا حافظی و گفت: «دیگر هیچوقت سراغ آن خلبان را نگیر!» و این آخرین پرواز خلبان بود. رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، همچون تمام زندگی اش، عقاب وار در اوج، شهادت رسیده بود...

«پوشش و پاسخ»

جلسات «پوشش و پاسخ» روزهای پنجمین از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

نامه «مردم»
به زبان
آذربایجانی
منتشر شد

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

اخبار کارگری

دست یادی غلامرضا پهلوی از جنگل ها کوتاه!

در جنگل های اطراف کردکوی محلی بنام سنگ معدن وجود دارد. حدود ۴۰ نفر کارگر در آنجا کار می کنند. کارگران این است که به کمک ماشین های دیزلی، درختان تنومند را از ریشه درمی آورند. آنجا کارگران بوسیله اره های برقی، درختان را بصورت قطعات کوچک و تخته درمی آورند. سپس آنها را بوسیله ماشین به کارخانه های چوب بری حمل می کنند و در آنجا تبدیل به فیبر و غیره می شود.

این طرح (جنگلداری) چندسالی است که به مورد اجسرا گذارده شده است. یکی از سهامداران عمده جنگلداری کردکوی غلامرضا (برادشاه مخلوق) است. از زمانی که او فراری شده است، نماینده اش بونکارها نظارت دارد. پس از پیروزی انقلاب، جنگلداری با همان شکل (یعنی همان نماینده و همان کارگران) منتها بدون وجود آن سهامداران ادامه می شود.

کارگران پشت از طرف کارفرما استعمار می شوند. ساعات کار آنها هیچ وجه مشخص نیست (یعنی بیش از ۸ ساعت در روز). حقوق کارگران در ماه ۲۰۰۰ ریال است. ولی به راندگان ماهیانه ۵۰۰۰۰ ریال پرداخت می شود. این امر موجب می شود که راندگان از خواست های برحق کارگران پشتیبانی نکنند و عملاً با این کار، کارفرمایان کارگران و راندگان دودستی بوجود آورده است.

کارگران در تاریخ ۱۷/۳/۵۹، ضمن یک گردهمایی، خواست های خود را ملی قلمنامه ای شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- تعیین حداقل دستمزد کارگران (چون حداقل دستمزد قانونی مشخص نیست).
- ۲- تبدیل دفترچه بیمه اجتماعی به دفترچه خدمات درمانی بر اساس سهمیه.
- ۳- ۸ ساعت کار روزانه (چون کارگران در شرایط فعلی بیش از ۸ ساعت کار می کنند).
- ۴- پرداخت دستمزد کافی برای یک ساعت اضافه کار.
- ۵- تأمین لباس کار، کفش و سایر لوازم مورد نیاز کار.
- ۶- تأمین بهداشت محیط کار.

شایسته است مسئولین امر در قبال خودسری هایی که مستقیماً میراث سلطه خاندان چارپهلوی است، واکنش سریع نشان دهند و اجازه ندهند قانون جنگل همچنان بر سرخوش کارگران حاکم باشد.

کارگران شرکت پنگوئن شمال خواستار احقاق حقوق خود هستند

در بهمن ماه ۵۸، کارگران با بنده و دوزخه جوراب باقی شرکت پنگوئن شمال نامه ای به رهبر انقلاب شکوهمند ایران، امام خمینی، فرستاده اند. در نامه، در وضع ناخوشایند محیط کار و حاکم بودن کارمندی اشاره شده است.

در این کارگاه به هر دو زن، تا اول فروردین ۵۸، در آناه بافتن هر جفت جوراب ۵ ریال پرداخت می شد. کارگران در روزهای تعطیل از دریافت حقوق محروم بودند و اگر روزی برق قطع می شد، کارگران با حقوق دریافت نمی کردند. مرخصی سالانه و استعلاجی در هنگام بیماری و مرخصی ایام زایمان برای آنها وجود نداشته و ندارد. ساعات کار از ۶/۵ صبح تا ۱۲ ظهر و از ۱/۵ بعد از ظهر تا ساعت ۶ یا ۷ بعد از ظهر است. ولی در فصل تابستان تا ساعت ۸ بعد از ظهر ادامه دارد. مدتی است که کارفرما به بهانه کمبود مواد خام کارخانه را تعطیل کرده است.

خطر! کارگران را نباید ناراضی و نومید کرد

یکی از اسلخ های سازمان گوشت، روز ۲۳/۳/۵۹، بعنوان اعتراض به برخورد غیر مسئولانه مسئولین سازمان، خود را با چاقو، از ناحیه صورت و صورت، به شدت معزوب کرد. این کارگر قبلاً بصورت کلامزد در سازمان گوشت کار می کرد و رسماً و ملی نامه ای خواستار رسمی شدن شده بود. ولی با مخالفت مسئولین سازمان، اخراج شد!

این کارگر می گفت: **دزدان و فرزندانیم گرسنه اند. آنها از گرسنگی می میرند. من غیر از دوازدهم در تمام دنیا نروتنی ندارم. رفتم پیش مسدیر عامل. بهم می گویند: «بسر و دزدی کن! رفتم پیش یکی از اعضای هیئت مدیره. او هم گفته مدیر عامل را تکرار کرد. آخر چکنم؟»**

بنده از یک عمر حالایم بیدارم! خانواده و آشنایانم سرافکنده باشم. مگر ما انقلاب نکردیم؟ پس چرا همان رفتار طاغوتی و همان ستم ها بقوت خود باقی است؟

نامه «مردم»: همین چند روز پیش در ارتباط با خودسوزی یک کارگر کاشی کار شیرازی، که بعنوان اعتراض به کمی دستمزد، عدم برخورد داری از بیمه و سایر مزایا از جحان خود گذشت، نوشتیم که نباید با نادیده گرفتن حقوق اولیه کارگران بر خطر ناراضی های موجود افزود. گفتیم که راه رسیدن به حقوق طبیعی کارگران در اقدامات فردی و بیرون دوش های منفی مبارزه نیست. کارگران جز با تشکل در انجمن های صنفی خوش (سندیکیایی) به حقوق خویش دست نخواهند یافت.

این یک سوره مسأله بود، جنبه دردناک و بسیار خطرناک این ماجرا هادرناراضی و نومیدی کارگران است که نشان می دهد، **اولاً** در بسیاری از واحدهای اجتماعی کارگران و زحمتکشانی یکلی با بی اعتنائی در انجمن های صنفی، های اولیه خود مواجه می شوند، و علیرغم اقدامات رسمی و بیگانه، هیچکس قدمی در جهت کمک به آنها بر نمی دارد.

ثانیاً وجود عناصری که به هیچ وجه سازش با مضمون خلقی انقلاب ندارند، در موسسات و کارگاهها، عامل بسیار خطرناکی است که کارگران را خواه ناخواه ناراضی و نومید می کند. می دانیم که کارگران وظایف خود را بخوبی می شناسند و بدان عمل می کنند، ولی در برخورد با چنین عناصری که شرف آنان را به بازی می گیرند، بیم آن می رود که تبلیغات ضد انقلاب زمینه مساعد بیاورد، ما هشدار می دهیم و تکرار می کنیم که نباید کارگران را ناراضی و نومید کرد. مادر مقابل انقلاب بزرگ و دودان ساز خوددور بر این نسل های آینه همسویی. آیا به عمق این مسأله توجه کرده ایم؟

درد ورنج فراوان و دوری از خانواده اینست زندگی کارگران ساختمانی



مزایا محروم هستند. روزی ۲۰۰ تومان درآمد با هر سه فرزند، زندگی کردن ساده نیست، ولی رویبرفته این پناه، بخاطر مهارت در کارهای مختلف نسبت به کارگران ساده از حقوق بیشتری برخوردارند.

با آنها به گفتگو می نشینیم، تا زردها، رنجها و مشقات فراوانی که می کنند، بیشتر باخبر شویم. تا سر صحبت را با آنها باز می کنی، خودشان زود پی می برند، چه میخواهی بدانی، و تمام آنچه را که بر دل و زندگی شان می گذرد، بر زبان می رانند. انسانهایی چنان والا، سربازان و سواره هستند که می خواهی در برابر این خصلتهای انسانی با ارزش آنها تنظیم کنی.

در خانه سازی و کارهای ساختمانی، کارگر ساده ساختمان، که نوجوانان ۱۲-۱۱ ساله نیز فراوان بین آنها پیدا میشوند، روزی ۸۰ تا ۱۰۰ تومان مزد بگیرد. به جوانان روزی ۹۰ تا ۱۰۰ تومان و به بزرگترها روزی ۹۰ تا ۱۰۰ تومان مزد میدهند. استادکارها یا بناها بر حسب نوع کاری که میکنند از ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومان دستمزد میگیرند، ولی اکثر کسبهای کاری میکنند، مثلاً بنای کاشی کار کسبهای تری ۴۰۰ تومان کاشی می کند، البته با یک کارگر، که روزمزدی، روزی ۲۵۰ تومان و یا مبلغی در همین حدود می گیرند. گنج کار تری ۲۰۰ تومان کسبهای تری می گیرند، با یک کارگر، که روزمزدی حدود ۲۵۰ تومان درمی آید. چاه کنی تری ۱۲۰ تا ۱۶۰ تومان است، که البته این آخری تری است و روزمزدی نیست و... بناها نیز با این که حداقل روزی ۲۰۰ تومان مزد می گیرند، ولی از بسیاری

و غیره، دولت باید به این مشکلات رسیدگی کند... کارگر سالخورده ای می گوید: «من چندین سال است که به تهران آمدم و مشغول کار هستم، والان که به این پیری رسیده ام هنوز از زندگی چیزی نفهمیده ام، ولی تا آنجا که می دانم، زندگی ما برابر است با درد، رنج و زحمت، دوری از خانواده و هزار بدبختی دیگر. از یکی از کارگران چاه کن (یا مینی) می پرسیم: چندسال است کارگری می کنی؟ چندانچه داری و... می گوید: «مراد علی هستم و یک زن و پنج بچه دارم. آنها در ده هستند، نزدیکی قوچان. خودم با یکی از دوستانم کارگر چاه کن هستم و متری ۶۰ تا ۹۰ تومان چاه می کنیم، ولی خودت بین که زندگی چندان سخت، بخاطر گذشتن هر متر چاه چندین کیلو عرق می ریزیم...»

از آنها می پرسیم اگر دولت بین دهقانی که زمین و زمین، زمین تقسیم کرده، حاضرید به روستاها بروید و کشاورزی کنید؟ عده ای از آنها می گویند: «بله، حاضریم چون هم خانواده ما و هم خانه و کاشانه ما آنجاست منتهی دولت باید وسایل کار و وام نیز در اختیار ما بگذارد، چون ما جز شمشای خودمان چیزی نداریم.»

عده ای دیگر می گویند: «من از نوبچه مادر تهران زندگی می کنند و اگر دولت به وضع کارها رسیدگی کند و حقوق کارگران ساختمانی را تضمین کند، حاضریم بچین کار ادامه بدهیم، چون که بالاخره کشور به کارگران ساختمانی احتیاج دارد، چه برای ساختن ساختمانها و خانه های دولتی و چه برای کارهای دیگر.»

با یک کارگر پیر صحبت می کنیم، می گوید: «بخدا قسم اگر دولت به خواسته های ما رسیدگی کند و وضع همه مردم را درست کند، دیگر کسی چه حرفی دارد که بزند، ولی الان از هر کسی چیزی می پرسیم، کلی ایرات از مشکلات حرف می زنند. باید گران، کمبود مواد غذایی، بیکاری و بی مسکنی ازین برود، اگر پنج پیمان در راه انقلاب و امام ازین برود و تشدید شوند، مخالفتی ندارم و ضد انقلاب نمی شوم، ولی آخر مشکلات تا هوقتی دم را وادار می کند که حرفی نزنیم ولی تا کی دیگر...»

یکی دیگر از کارگران می گوید: «من چندین سال است که کارگرم و به سختی زندگی را می گذرانم. زن و بچه نیز دارم، من می گم شاه که بود طرفدار کلاه نشین بود و دشمن کلاه نشین، ولی امام خمینی طرفدار کلاه نشین است و دشمن کلاه نشین و امام گفته است مملکت مال کلاه نشین است، پس چرا دولت با این وضع بد زندگی ما رسیدگی نمی کند، ملاحظه چشم امیدمان به امام خمینی است...»

آری، تمام آنها از درد و رنج و کار و کوشش و زندگی سخت سخن می گویند و می خواهند که دولت به فکر آنها باشد، عده ای خیلی زیادی از آنها هر روز صبح تا شب سرچاپارها با بخاطر کار می ایستند، ولی از کار خبری نیست. آنها سرمایه این مملکت هستند. باید به حقوق آنها رسیدگی کرد، تا آیندای این جوانان را بگذرد، تا آنها هم زندگی انسانی داشته باشند و فرادیرایشان دنیای دیگری باشد.

کارگران اجرای سریع اصول اقتصادی مطرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ملی کردن رشته های اساسی اقتصاد ملی را طلب میکنند.

مخالفت با اجرای این اصول ضربت به انقلاب ایران و منافع خلق است

کارفرما در کار شورای کارگران شرکت سیلوی تبریز کارشکنی می کند

کارگاه شرکت سیلوی تبریز (شرکت آر. ای. اس) در چیل کیلومتری جاده تبریز - مرند قرار دارد. این شرکت عهده دار احداث سیلوی بطرفیت صد هزار تن، برای اداره غله آذربایجان شرقی است. در این شرکت ۲۵۰ نفر کارگر به کار اشتغال دارند. چندین پیش، کارگران بملت نبودن امکانات رفاهی و وسایل ایمنی در کارگاه، تصمیم به انتخاب شوراهای نمایندگانی بمنظور دست یافتن به خواسته های خود گرفتند. کارفرمای شرکت با اطلاع از این موضوع، به ایجاد نفاق و وسیله چینی بین کارگران پرداخت، از جمله با متم کردن نمایندگان به «کمونیست» بودن و... تهدید به اخراج آن ها و انجام سخنرانی های غواصی بیانه ای مبنی بر این که در کارگاه افرادی هستند که می خواهند در کارها اختلال کنند، و من امیدوارم پاکت شما بتوانم جلوی این اختلال کارگران را بگیرم» و بدنبال تحریکات کارفرما، خود شرکت متشنج شده و مراحل بهیم آن می رود که کار به تعطیلی شرکت کشد.

در لحظات حساس کنونی، بویژه در آموری از قبیل احداث سیلوی که با تأمین نان زحمتکشان مربوط میشود، سوء مدیریت و بدتر از آن سوء نیت در برابر کارگران، می تواند عواقب جبران ناپذیری ببار آورد. بطوریکه یک غفلت ساده، که ظاهراً اهمیت چندانی ندارد، شیرازه کارها را از هم می گسلد.

شرکت متشنج شده و مراحل بهیم آن می رود که کار به تعطیلی شرکت کشد.

در لحظات حساس کنونی، بویژه در آموری از قبیل احداث سیلوی که با تأمین نان زحمتکشان مربوط میشود، سوء مدیریت و بدتر از آن سوء نیت در برابر کارگران، می تواند عواقب جبران ناپذیری ببار آورد. بطوریکه یک غفلت ساده، که ظاهراً اهمیت چندانی ندارد، شیرازه کارها را از هم می گسلد.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

۲۱ سال از شهادت رفیق علی علوی گذشت



۲۵ خرداد سالروز شهادت یکی دیگر از رزمندگان توده‌ای است. ۲۱ سال پیش در چنین روزی، رژیم شاه خان، مهتس علی علوی، عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران را به جرم جرم سیرد، مهتس علوی پس از یورش کودتاچیان ۲۸ مرداد به جنبش ملی و دمکراتیک ایران و پیش از همه رئیس از همه به حزب توده ایران، مانند بسیاری دیگر از اعضا، کادرها و رهبران حزب دستگیر شد. رفیق علوی به حبس آمد محکوم شد و در زندان به نبرد با رژیم ادامه داد.

۲۵ خرداد ۱۳۳۸، کادرگران دلار کوره‌پزخانه های تهران برای نخستین بار پسمد از کودتا سکوت ایلچی آریامهر را در هم شکستند و رژیم شاه خان را به وحشت انداختند. جلاوران رژیم، وحشیانه اعتصاب کارگران را، با به خاک و خون کشیدن ۵۰ زن و کودک و مرد، سرکوب کردند، چون اعتصاب راز چشم حزب توده ایران می‌دیدند، در سحرگاه روز ۲۵ خرداد رفیق علوی را به جرم جرم سیرد، بدینسان علی علوی چون هزاران توده‌ای دیگر جان بر سر آزمان زحمتکش نهاد. یادش گرامی بادا

ما در مورد وضع فیروز آباد فارس هشدار می‌دهیم

عوامل ضدانقلاب در فارس توطئه بزرگ را علیه انقلاب ایران تدارک دیده‌اند و درصدد ایجاد کانون تشنج دیگری در کشور هستند.

بر اساس اطلاعات رسیده، عوامل ضدانقلاب که از مدت‌ها قبل تدارک توطئه‌های در استان فارس را دیده‌اند، مدتی است که به انحاء مختلف برای سرمد مزاحمت ایجاد می‌کنند. این عوامل یا خرابکاری در شهر بصورت قطع برق و آب بروی سرمد، زمینه پیاده کردن نقشه‌های پدی خود را فراهم می‌کنند.

مردم فیروزآباد روز ۲۲ خرداد، به دنبال درگیری‌های اخیر در منطقه قیر و کارزین کلیه مغازه‌ها و دکانها را بستند و علیه خوانین دست به راهپیمایی زدند. در حال حاضر ارتباط فیروزآباد با سایر نقاط قطع شده و شهر در محاصره است، بطوریکه خواربار و آذوقه به مردم نمی‌رسد. عوامل ضد انقلاب همچنین اقدامات خود را به میان عشایر کشانده‌اند و با تلاش فراوان در صدد فراهم ساختن زمینه برادرکشی در این منطقه هستند.

ما ضمن دادن هشدار در مورد وضع فیروزآباد، از مقامات مسئول می‌خواهیم تا توطئه‌هایی را که برای استان فارس تدارک دیده شده است، هرچه زودتر خنثی کنند و از گسترش درگیری‌ها جلوگیری بعمل آورند.

این هفته در نامه مردم بزبان کردی می‌خوانید:

- ۱- امام خمینی: آمریکا خیال نکند که با دخالت نظامی، کاری از دستش برمی‌آید.
- ۲- در سالروز جنبش خونین ۱۵ خرداد، مردم یکپارچه و قاطعانه شمر می‌داند: مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما سلام بر خمینی، زدود بر شیطان
- ۳- اقلیتی از رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق علیه مواضع مثبت و صحیح اکثریت، طغیان کرد.
- ۴- پیام همبستگی ۶۰ سازمان جهانی، منطقه‌ای و ملی جوانان و دانشجویان سراسر جهان، به خلق جوانان و دانشجویان ایران
- ۵- بیانیه مشترک جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و فدراسیون جوانان دمکرات عراق
- ۶- کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران، در جهت انقراض توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پیروزی بزرگی بود.
- ۷- طریق الشعب: رژیم بعث عراق، پایگاه نظامی خود را در اختیار آمریکا و ضد انقلابیون فراری ایران قرار داده است.
- ۸- وضع بهداشت روستاهای سیاهاد
- ۹- شعر، داستان و اصطلاحات سیاسی - اجتماعی.

در مطبوعات کشور

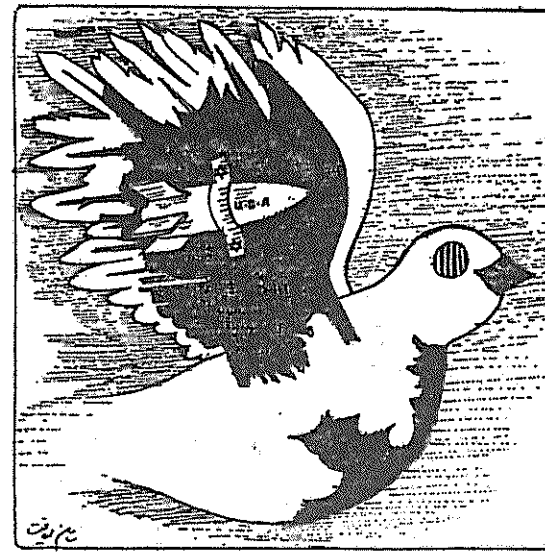
حجت الاسلام سید احمد خمینی: دولت باید حمله کنندگان را به اشد مجازات برساند

حجت الاسلام سید احمد خمینی، پیرامون درگیری و حوادث روز پنجشنبه گذشته امجدیه در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری فارس اظهار داشت: خیلی دردناک است. واقعا چه باید کرد؟ این موضوع صحبت آن روز بوده است و بجایم هست. آخر شرم ندارد که عده‌ای که اکثریت هم افرادی هستند که آدم دلش برایشان می‌سوزد توسط عده‌ای تحریک شوند و بجای عده‌ای که می‌خواهند به یک سخنرانی گوش دهند، هجوم کنند. این با چه منطقی می‌خواند و نابل توجه است. آخر مگر وزارت کشور، اجازه نداده است؟ مگر تمام مسئولین و غیرمسئولین حملات سابق را به این اجتماعات محکوم نکرده‌اند؟ آیا واقعا محرکین را نمی‌شود شناسایی کرد که قطعا نظر سوتی دارند؟ چطور اگر مثلا به نماز جمعه حمله‌شده فوراً شناسایی می‌شود و می‌دانید چه کسانی هستند و منزلشان کجاست و چندگرمه هم در منزلشان دارند یکی از آنها هم دم ندارد ولی یک واقعه به این مهمی و دردآوری و شرم و خجالت‌دآوری را اگر تحت تعقیب قرار دهنده ممکن است تحریک احساسات شود؟ مگر نمی‌گویند که از خودشان هم دخالت دارند، خوب بگویند چه کسی است و یا مجاهدین که می‌گویند ما طرف را می‌شناسیم، بگذارید ببینید در تلویزیون بگویند و اگر ثابت شده شما هم او را بگردید و جواب خون آن جوان ناکام و کوری آن شخص و زخمی شدن بقیه را ببینید. حزب فقط حزب الله اگر معنایش زدن است که آبروی الله را بردند. مرگ بر این نفکر. من نمی‌شناسم، اما می‌دانم که این عده انسان‌های خوب اکثرا عوام حتما تحریک می‌شوند و الا بیخود به اجتماعات حمله نمی‌کنند. آیا امام در اکثر مصاحباتش نفرونده‌اند که اظهار عقیده آزاد است. اگر حرف شما حق است، از چه می‌ترسید و اگر حرف مجاهدین خلق حق است خوب گوش کنید. من باین که بعد از آن صحبت (اسام) تنهاست، که همه‌گونه تفسیرشده‌گونه تهریف با اینکه واقعا روشن بوده دیگر می‌خواستیم حرفی نزنم و گوشه‌ای خریدم باشم، ولی واقعا متاسفم. آیا امام از این حملات ناراحت نمی‌شوند؟ راستی چرا مسئولین ساکتند؟

از حجت الاسلام سید احمد خمینی سؤال شد: شما معتقدید چه باید کرد که دیگر اینگونه حوادث اتفاق نیفتد؟ ایشان در پاسخ اظهار داشت: معتقدیم که در صورت برپایی این سخنرانی‌ها دولت از شهربانی و سپاه استفاده نماید و افرادی را که حمله می‌کنند، دستگیر

در اوج انقلاب ایران، و زمانی که چهره‌های پشت پرده و کارچاق کن‌های امپریالیسم آمریکا، بین واشنگتن، تهران و پاریس در حرکت بودند، تا آنچه را که از «منافع» امپریالیسم، قابل نجات بود، نجات دهند، رمزی کلارک نیز جزو کسان معلودی بود، که هم در تهران و هم در پاریس آفتابی شدند.

آخرین گزارش‌ها حاکی است که هنری کیسینجر، وزیر خارجه دولت نیکسون و صهیونیست مشهور ایالات متحده، طی اظهاراتی در مورد هیات دوفتری شرکت کننده در کنفرانس بررسی «مداخلات» آمریکا در ایران، اعلام داشته است که این هیات، روی برنامه حساب شده‌ای بایران سفر کرده است و وی امیدوار است که نتایج مطلوب از آن حاصل گردد. در عین حال اطلاع می‌رسد که مقامات آمریکائی استاد و اوراق مربوط به کنفرانس بررسی «مداخلات» آمریکا در تهران را، از سبب آن شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، بهنگام ورود ایشان به نیویورک، توقیف کرده‌اند. مطابق تجربیاتی که ما تاکنون از بازایی های امریکائیان بدست آورده‌ایم و نیز مطابق آنچه از سابق سوء رمزی کلارک در دست است و ماشه‌ای از آنرا بیان داشتیم سخن راست همان است که هنری کیسینجر گفته و در این هیات آمریکائی شرکت کننده در این



(آزادگان، ۲۴ خرداد ۱۳۵۹)

کنند و به اشد مجازات برسانند. برادران پاسدار بجای تیراندازی همه کوشش خودشان را در دستگیری سران حزب‌اللهی که آبروی اسلام و مسلمین و الله را برده‌اند، بشمارند تا اسلام از لوث وجودیان خائنین پاک شود و غیر از این هم راهی ندارند. من بارها گفته‌ام که اندیشه را نه تنها با چماق نشیون تغییر داد که جایش را برای صاحب‌اندیشه محکم‌تر می‌کند. اندیشه را با اندیشه باید پاسخ داد. بارها گفته‌ام که اگر زور کار می‌کرده شاه بود، اگر زور می‌نوشت حکومت کند، هنوز تمام عزیزان ما در زندان‌های شاه مخلوع بودند. برخورد این جنبش، چنان عکس‌العمل کوبنده‌ای داد که هرکس را نسبت به صاحبان منزل متعجب می‌کند. برادران و خواهران عزیزم، حرف حق دارید، بیابید و بگویند و بحث کنید و اگر حرف دیگران حق است، آنرا ببوسید و روی چستان بگذارید و اگر باطل بوده نپذیرید. این دیگر دعوا ندارد. تحریک عوامل داخلی و خارجی نشوید. شما مسئول حداقل خون این جوان شهید هستید. من به پدرمادرم صمیمانه تسلیت می‌گویم. راستی چه کسی باعث کوری چشم یک جوان شده است؟ من حمله به این اجتماعات را خیانت به اسلام می‌دانم.

(اطلاعات، ۲۴ خرداد)

بدون مراعات اصول «دیپلماتیک» اعلام می‌دارد که پروگان‌های امریکائی اصلا «دیپلمات» نیستند و خطی که در درون همه لغزهای سیاسی و دیپلماتیک، نیز در جستجوی «سداقت» برمیاید. خطی که از دشواری‌ها نمی‌هراسد و خطی که کوشش می‌کند از خطوط مشکلس برکنار بماند. خطی که خط انقلاب و تداوم انقلاب است، و خطی که تعامل بی‌طرفانه و سازش از آن چشم می‌خورد. مردم‌بهاستایی‌ها و خواهان پیروزی از خط نخستین‌اند، زیرا که پیروان‌اند، گسستن تمامی بندهای وابستگی، در گرو پیروی این خط است. پس با تمام نیرو، از این خط حمایت کنیم.

(آزادگان، ۲۴ خرداد)

انتخابات آزاد، وعده پوچ ضیاءالحق

کشور دست به چنین کاری زده است و در یک شرایط مساعد و زمان مقتضی که حداکثر سبب خواهد بود طمی یک انتخابات سیاسی آزاد، یک حکومت کاملاً دمکراتیک را بر سر کار خواهد آورد و خود داوطلبانه سخته را ترک خواهد نمود، که البته پس از گذشت قریب دو سال و سپری شدن آن سماه اول و چندین سماه دیگر نه تنها از انتخابات خبری نیست که پس از گذشت مدتی تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی را ممنوع اعلام کرد، قیچی تیز سانسور را بر مطبوعات اعمال نمود و دستور دستگیری مخالفان را صادر کرد. وزنده‌ها را از مخالفتین خود پرساخت، و اخیراً طی اعلامیه‌ای از قدرت کانون و کلاداد گاه‌های غیر نظامی که از آزادی نیم‌بندی بهره‌مند بودند کاست و بر قدرت خویش افزود است که واخطار نموده که هر سازمان یا کانونی که دست به فعالیت بزند به ۱۴ سال زندان، جریمه، مسافره امسوال و ۲۵ شرب‌مخلاق محکوم خواهد شد. (انقلاب اسلامی، ۲۲ خرداد)

پل‌های موقت تهران احتیاج به بازرسی دارند

ترمیم‌نکردن آسفالتهای بسیاری از پل‌های موقت فلزی در تهران، خطرات جانی و مالی دیر خواهد داشت. این پل‌ها که در نقاط مختلف تهران، از جمله چهارراه کالج، دروازه دولت و سایر نقاط تهران نصب شده‌اند، بر اساس قرار داد باستی‌ها ۶ ماه بکار مورد بازرسی قرار گرفته‌اند. در این بازرسی آسفالتهای پل‌ها باید مرمت و تعمیرات آنها معکم شود. لیکن اکنون که حدود ۱۴ ماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد هنوز بازرسی منوط به انجام نشده است. عدم توجه به این پل‌ها و بازرسی نکردن آن‌ها خطرات جانی و مالی دیر خواهد داشت، لذا بر مسئولین امر است که هرچه زودتر به وضع پل‌های مذکور رسیدگی کنند.

منتشر شد: مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم
(تاریخچه‌ای از مبارزات خلق‌های کوبا - شیلی - نیکاراگوئه - السالوادور)

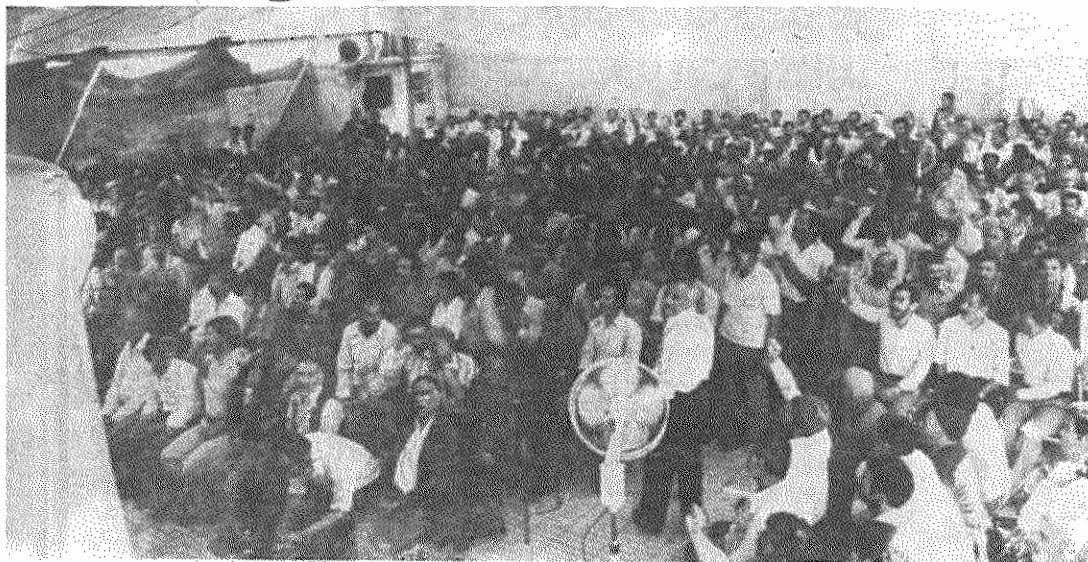
توضیح شرکت برق منطقه‌ای تهران در مورد قطع برق مسعودیه

امور اداری وزارت نیرو، شرکت سهامی برق منطقه‌ای تهران، در ارتباط با مطلب منتشر در شماره ۲۳۲ نامه «مردم» تحت عنوان «اعتراض اهالی مسعودیه به قطع مکرر برق» توضیحی به تاریخ ۲۲ خرداد فرستاده است، که در زیر می‌خوانید:

«محل فوق‌الذکر از انقلاب طبق ضوابط موجود خارج از محدوده بوده و بایک دستگاه ترانسفورماتور هوایی به قدرت ۳۱۵ ولت کیلو آمپر تغذیه می‌گردد، پس از پیروزی انقلاب مالکان اقدام به تفکیک و فروش زمینهای باین در این منطقه و در نتیجه ساکنان ساختمان‌های ساخته شده در این زمینها مبادرت به استفاده غیر مجاز از برق نمودند، واضح است که استفاده از برق بصورت غیر مجاز باعث فشار بر پستهای موجود در محل قطع مکرر برق خواهند شد، شرکت برق منطقه‌ای تهران لایق قطع با امکانات موجود در صدد رفع مشکلات میباشد که باطرحهای در دست اجرا مشکل ساکنان منطقه منزبور برطرف خواهد شد.»

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

در گردهمایی اتحادیه و سندیکاهای کارگران خباز گفته شد: دولت باید سازمان نان بوجود آورد



کارگران خباز: درود بر خمینی، زنده باد اتحاد کارگران ایران...

خلاف گفته‌هایمان در اینکه کمبود نان احساسی می‌شد توانستید عرضه نان را اضافه کنید، مگر با فروش آن توسط دوره‌گرد، که آنهم غیربهداشتی عرضه می‌شود!

ما با صدای بلند فریاد می‌زنیم کمبود نان و مشکلات نانویان فقط با تشکیل سازمان نان مثل سازمان آب و برق و شرکت واحد برطرف می‌شود. کارگران یکسدا فریاد زدند: درست است، درست است.

مرادی در دنباله سخنان خود افزود: «یک نانوا طبق ضوابط قانون می‌تواند شغل خود را تغییر دهد، ولی تکلیف نان آن محل چه می‌شود؟ تکلیف کارگری که در اثر تبدیل نانوائی بیکار می‌شود چیست؟

مردم نان میخواهند و دولت مسئول تامین نان مردم است. اگر سازمان نان تشکیل شود تمام مشکلات بخوبی حل می‌شود. دوستان کارگر بهوش باشید، سندیکا را فراموش نکنید، با ما در تماس باشید. ما صدای شما را به گوش همه می‌رسانیم. در اثر اتحاد است که ما میتوانیم بحق خود برسیم. اگر سازمان نان تشکیل نشود و مسئولین امور تعاونی دست از کار خود بردارند آنگاه با دعوت تمام کارگران خباز کشور یکسدا فریاد می‌زنیم: ای امام، ای ملت ایران ما را دریابید که دستبندی ما را به ناپودی بیکشانند... ما امروز اعلام میکنیم بشناسید آن کسانی را که با سرنواخت ما دارند بازی میکنند و فردا نرسید چه کسی تحریک کرد و یا مقصر اصلی کیست؟

مجدداً یادآور می‌شویم ما کارگران از دستمزد تعطیل‌جبهه، از مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، ساعت کار، کمک‌خواربار، هزینه مسکن استفاده نمی‌کنیم. کمک عائله‌مندی و لیست بیمه هم که داشتیم دارند از دست ما میگیرند. کار ما را دارند از دست ما میگیرند. پای زندگی ما در کار است... تا به امروز بخاطر تداوم انقلاب کوتاه آمدیم. امروز امیدواریم به کارگران توجه بیشتری شود.

درد رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی سخنانی مرادی با ابراز احساسات کارگران خباز درود شد و یکسدا فریاد می‌زدند: درود بر خمینی، مستحکم باد اتحاد کارگران ایران

سپس قطعنامه اتحادیه و چهار سندیکای کارگران خباز-های استان تهران توسط صفائی در چهار ماده قرائت شد، که همگی کارگران خباز حاضر در جلسه تمامی مفاد آنرا تصویب کردند. در قطعنامه ضمن ابراز پشتیبانی از رهبری امام خمینی و حمایت از انقلاب و آمادگی برای هرگونه ایثار در مبارزه ضدامپریالیستی آمده است:

ما کارگران خباز خواهانیم که در تمام مراحل تصمیم‌گیری در امور کارگری مانند تدوین قوانین کار و تامین اجتماعی و آیین‌نامه‌های مربوطه خصوصاً در مسائل مربوط به امور نان مشارکت و نظارت داشته باشیم.

ما کارگران خواهانیم که از هرگونه تبدیل نانوائی که موجب بیکاری کارگران خباز می‌شود جلوگیری بعمل آید، ما کارگران خباز خواهانیم از فضای انقلاب اسلامی بیشتر بهره‌مند گردیده و برخلاف گذشته که مورد استعمار قرار می‌گرفتیم، در برابر آخرین دستمزد که دریافت می‌داریم، بیمه شویم تا در زمان پیری و نانوائی و بیماری قادر باشیم زن و فرزندان خود را شرافتمندانه اداره نماییم.

ما کارگران خباز ضمن تشکر از مسئولین اجرایی سازمان تامین اجتماعی خواهانیم که جهت دریافت لیست صحیح و وصول حق بیمه از کارگاههای خبازی بمنظور استفاده بهتر کارگران با نظارت سندیکای مربوطه اقدامات لازم را معمول و تصمیم جدی‌تری اتخاذ فرمایند.

ما کارگران خباز از دولت جمهوری اسلامی خواهانیم قریبی اتخاذ فرمایند که ما هم بتوانیم برابر قانون از تعطیلات جبهه، مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، هزینه مسکن، کمک‌خواربار استفاده نماییم. ما کارگران خباز خواهانیم طرح دولتی شدن نان می‌باشیم.

پس از قرائت قطعنامه، نماینده شرکت تعاونی آرد و نان سخنانی ایراد کرد و برخی از مشکلات کارفرمایان را برشمرد و از کارگران خواست که نمایندگان واقعی خود را بشناسند و آنان را به مقامات معرفی نمایند. سخنان ثانی، که برای کارگران خباز حالت جبهه‌گیری و حمایت از کارفرمایان و ایجاد نفاق داشت، با اعتراض شدید کارگران خباز مواجه شد و نتوانستند از کارگران خباز به مقام جوابگوئی برآمدند. کارگران یکسدا از نمایندگان خود پشتیبانی کردند.

این مراسم با شعار درود بر خمینی، و مستحکم باد اتحاد همه کارگران ایران، پایان یافت.

پس از اتمام مراسم، خبرنگار نامه مردم با چندتن از کارگران خباز مصاحبه‌ای بعمل آورد. کارگران به خبرنگار ما گفتند:

سندیکا تا به امروز توانسته است ما را مشکل کند، کمک‌عائله‌مندی دریافت دارد، با کارفرمایان که درصدد اجحاف به ما هستند مبارزه کند. ما هرچه داریم از همین سندیکاهای اتحادیه داریم. اگر سندیکا نتوانست برخی از خواسته‌های ما را جامه عمل بپوشاند، صرفاً بخاطر خرابکاری و دسیسه مسئولان و طغویان بود. ما همگی خواهانیم تقاضای سازمان نان هستیم. اگر سازمان نان تشکیل شود، با توجه به سندیکا و اتحادیه‌ای که داریم، میتوانیم به حقوق قانونی خود دست یابیم. کارفرمایان با سببه آرد که از دولت دریافت میدارند، مقدار کمی از آن را صرف تولید نان روزانه مردم میکنند و بیشتر بقیه را به نان شیرمال و روغنی که هم مصرف کمتر و هم قیمت بیشتر و سود فراوان برای کارفرمایان دارد، تبدیل میکنند. ما بحق تمامی خواست خود را در ایجاد سازمان نان میدانیم.

تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران ضرورت تاخیرناپذیر مرحله کنونی انقلاب ایران، وثیقه معتبر نامین خواسته‌های اجتماعی، رفاهی و سیاسی طبقه کارگر است. طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز



دیر اتحادیه کارگران نانوا: «پای زندگی ما، در میان است. ما صبر کرده‌ایم، امیدواریم که به کارگران توجه شود»



کارگر خباز: سندیکا تاکنون توانسته ما را مشکل کند. برای ما کمک عائله‌مندی بگیرد...»

در کارگاه از خود نانوا بگیرد، شما اگر حق دارید بروید از بیمه بگیرید...»

ما می‌رسیم: کارگر چگونه به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کند و بگوید کارفرما حق بیمه ما را نمیدهد و کمک عائله‌مندی را نمیدهد و تو ای بیمه‌گر از حق بیمه کارگران صنفی دیگر خرج ما کن؟ آیا این سوء استفاده نیست که پول بیمه کارگر در جیب کسی دیگری باشد، آنگاه از صندوق و بیت‌المال خرج ما شود؟

خلاصه این دوما، یعنی کمک‌عائله‌مندی و لیست بیمه که در واقع سرنواخت حیات کارگر و فرزندان او و آینده او در زمان کهنوت و بازنشستگی به آن بستگی دارد، از دستمان گرفته می‌شود.

ما از دست‌اندرکاران فعلی شرکت تعاونی نانویان سوال میکنیم: آیا حرکت شما که اینطور کارگران محروم نانوائی را تحریک می‌کنید و به آنها فشار می‌آورید در عمل کمک به ضدانقلاب نیست... آقایان مسئولین امور تعاونی آنچه را که داریم، حق ندارید از ما بگیرید...»

نازه آقای وزیر بازرگانی و چند نفر ناآشنا به کار نانوائی، در مصاحبه تلویزیونی میگویند، در گذشته تبدیل نانوائی از نوعی به نوع دیگر، ممنوع بود، ولی ما آنرا آزاد کردیم... عجب شاعها انتظار دارند که یک شاطر چهل یا پنجاه ساله سنگی ظرف چند روز فوراً شاطر لواط زمین از کار درآید! چرا با تبدیل نانوائی بر صف بیکاران اضافه میکنند! شما بر-

کارگران خباز:

- ما از تمام مزایای قانونی محرومیم!
- ما هرچه داریم از سندیکا و اتحادیه داریم!
- با نانو طرح تبدیل نانوائی‌ها، از کارگران خباز حمایت کنید!

جلسه عمومی کارگران خباز بنا به دعوت اتحادیه سندیکای کارگران خباز تهران و حومه، به علت عدم حصول خواسته‌های کارگران این صنف سه‌شنبه یستم خرداد ماه، در محل شورای سندیکاهای کارگری تهران، با حضور بیش از شصت کارگر خباز، نماینده وزارت کار و تامین اجتماعی، رئیس شعبه ۱۱ ناهین اجتماعی و نمایندگان وزارت بازرگانی و اداره غله تشکیل شد.

جلسه با شمار: مستحکم باد اتحاد کارگران ایران، رسمیت یافت. در ابتدا رئیس سندیکاهای نانوائی تهران پس از تبریک روز پخت، عمل انقلابی حجت‌الاسلام خلیفائی، سرپرست مبارزه با مواد مخدر را در امر ریشه کن کردن سوداگران مواد مخدر ستود و اظهار داشت: «ما کارگران تا آخرین قطره خون خود از این عمل انقلابی حمایت خواهیم کرد»

سپس کریم شافقی، رئیس اتحادیه کارگران خباز، ضمن سخنان خود گفت:

«کارگران خباز از جمله زحمتکش‌ترین و صبورترین قدر کارگرانند که در تمام فصول سال در شرایط طاقت‌فرسا در جهت رفاه هموطنان انچه‌بویافته میکنند و از تمام مزایای مندرج در قانون کار محروماند. متأسفانه تاکنون کارفرمایان و مدیران قانون از اجرای قانون در مورد کارگران خباز خودداری کرده‌اند. کارگران نیز با در نظر گرفتن مصالح انقلاب و مملکت، صبر انقلابی پیشه کرده‌اند، تا اینکه اخیراً با اجرای طرح جدید نان متأسفانه مشکلاتی نیز به‌عضلات قبلی اضافه شده»

سخنان یحیی احمد مرادی، دبیر اتحادیه کارگران خباز بود. وی اظهار داشت:

پس از ۴۴ سال فعالیت سندیکائی و مکاتبات مکرر پیراهون خواستهای صنفی بعد از انقلاب طی نامه‌های مکرری به عنوان مسئولین امر پیشنهادهایی در مورد تشکیل سازمان نان داده‌ایم. در رابطه با اعلام طرح جدید نان از طرف وزارت بازرگانی، طی چندین تلگراف به مقامات مسئول خواستار آن شدیم که در جلسه تصمیم‌گیری در امور نان کارگران مشارکت داده شوند، ولی توجه نشد. همانطوریکه میدانید قبل و بعد از انقلاب همیشه سعی شما و نمایندگان شما بر این بوده است که در سندیکاهای خیلی آرام، یا صبر انقلابی و هنگام با حرکت انقلابی فعالیت داشته باشیم و همیشه شما زحمتکشان دعوت به صبر و شکیبائی و امید به آینده شده‌اید، شما زحمتکشان عزیز دو سخت‌ترین لحظات انقلاب و در اوج حکومت‌نظمی که انتصاب سرتاسری بود، نان تهیه میکردید. یک روز کار را ننگ نکردید و در هیچ محل کمبود نان نبود. در صورتیکه همه چیز کم بود. چون میخواستید و میخواهید پس از آرامش و تدوین قوانین انقلابی و اسلامی به خواسته‌های خود دست یابید. کارگر نانوا همیشه در زحمت است، نه تعطیل دارد نه استراحت، نه ساعت کار دارد نه بهداشت و از هیچیک از مواد قانون کار حتی الفبائی آن، یعنی تعطیل‌جبهه، ساعت کار، مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، هزینه مسکن، کمک‌خواربار، سرودوژه و غیره استفاده نمیکنند. و از طرفی هم تمام اجحافی که از طریق فروش نان مردم تحمیل می‌شود، بگردن کارگران میاندازند و کارفرمایان میگویند دستمزد گران است. کار نمی‌کنند، بیمه میخواهند، تعطیل میکنند و غیره... وقتی اعتراض میکنیم، میگویند: ای کارگر تمام خواسته‌هایت بحق و قانونی است؛ ولی تعدادیم بدهیم. بروید شکایت کنید و حق خود را بگیرید.

کارگر خباز مجبور است بخاطر اینکه کارش از دست نرود و با هیولای بیکاری دست‌وپنجه نرم نکند، هرچه را بعنوان مزد روزانه باو میدهند بگیرد. پس از مدت‌ها فعالیت در سال ۵۴ توانستیم برای کارگران واجد شرایط هر شش‌شنبه بیکار از شرکت تعاونی نانویان کمک عائله‌مندی بگیریم. ولی اخیراً دست‌اندرکاران فعلی تعاونی نانویان میگویند: کمک عائله‌مندی را بروید

ورزش

رکورد جدید برای وزنه برداری جهان

در مسابقات قهرمانی وزنه برداری شوروی، ویکتور نایف وزنه‌دار اتحاد شوروی رکورد جدیدی را برای جهان در وزن ۱۰۰ کیلو بدست آورد.

نایف در جریان این مسابقات موفق شد که وزنه ۱۸۲/۵ کیلو را بالای سر برد و ۵۰۰ گرم رکورد قبلی جهان را بهبود بخشید. رکورد قبلی جهان نیز متعلق به خود نایف بود.

رکورد دو ۸۰۰ متر زنان جهان شکسته شد

در جریان مسابقات دوومیدانی مسکو، رکورد ۸۰۰ متر زنان جهان توسط نازد-اولن ارنکو دوندۀ اتحاد شوروی شکسته شد.

اولن ارنکو ۸۰۰ متر را در دقیقه ۵۴ ثانیه و ۵۸ صدم ثانیه دوید، که این رکورد ۹ صدم ثانیه سریعتر از رکورد سابق دنیا است. رکورد قبلی متعلق به تاتیانا کازاتکینا، دوندۀ معروف اتحاد شوروی بود، که در جریان بازیهای المپیک مونت‌آل بدست آمده بود.

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

وضع طبقاتی جامعه ایران و گروه‌های سیاسی پرش و پاسخ

۱۰

نورالدین کیانوری

سومیکو دختر هیر و شیمایی نوشته رمان کیم ترجمه از رفیق شهید خسرو روزبه

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹

شماره تلکسی: ۲۱۴۰۸۱

TPI IR 214081

چاپخانه توده ایران

MARDOM

No. 258

15 June 1980

Price:

West - Germany 0.80 DM

France 2 fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 fr.

Italy 350 L.

USA 50 Cts.

Sweden 1.50 Skr.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالتان و محسوران است